

راهبردهای توسعه و تدوین نظام قضایی برای نیل به اهداف حکمرانی قضایی اسلام

سید صمصام الدین قوامی^۱، سید نیما نوروزی^۲

^۱ مدیر بنیاد فقهی مدیریت اسلامی و استاد درس خارج حوزه علمیه، حوزه علمیه قم، قم، ایران

^۲ گروه فقه و حقوق، دانشکده علوم و معارف، جامعه المصطفی العالمیه و سطوح عالی قم، حوزه علمیه قم، قم شریف، ایران

چکیده

این مقاله به بررسی راهبردهای توسعه و تدوین نظام قضایی اسلامی برای تحقق اهداف حکمرانی قضایی اسلام می‌پردازد. با توجه به مقاصد شریعت و حکمت در سیستم قضایی اسلامی، این تحقیق به تحلیل اصولی همچون شفافیت، استقلال قضایی، شایسته‌سالاری، پاسخگویی و عدالت در سیستم قضایی اسلامی می‌پردازد و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر کارآمدی و عدالت پایدار در جامعه را بررسی می‌کند. همچنین، مقایسه‌ای بین سیستم‌های قضایی کشورهای اسلامی و جهانی ارائه می‌دهد تا نشان دهد که چگونه می‌توان از تجربیات بین‌المللی برای بهبود سیستم قضایی اسلامی استفاده کرد. هدف این تحقیق معرفی راهبردهایی است که بر اساس اصول شریعت و حکمت، می‌توانند به تدوین و توسعه نظام قضایی اسلامی کمک کنند. در این راستا، پیشنهادهایی برای تقویت شفافیت، ارتقای استقلال قضایی، تدوین معیارهای شایسته‌سالاری و ایجاد سازوکارهای پاسخگویی مؤثر در سیستم قضایی اسلامی مطرح می‌شود. این تحقیق به سیاست‌گذاران و مسئولان دستگاه قضایی در کشورهای اسلامی کمک می‌کند تا راهبردهای مؤثری برای تحقق عدالت و بهبود کیفیت دادرسی در سیستم‌های قضایی خود تدوین کنند.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی قضایی اسلامی، مقاصد شریعت، شفافیت، پاسخگویی، استقلال قضایی

Strategies for the Development and Formulation of a Judicial System to Achieve the Objectives of Islamic Judicial Governance

Sayyed Samsam al-Din Qavami¹, Sayyed Nima Norouzi²

1 Director, Jurisprudential Foundation for Islamic Management, and Professor of Advanced Jurisprudence (Dars-e Kharej), Qom Seminary, Qom, Iran

2 Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Islamic Sciences, Al-Mustafa International University, and Advanced Seminary Studies, Qom, Iran

Abstract

This article examines the strategies for the development and formulation of an Islamic judicial system to achieve the objectives of Islamic judicial governance. In light of the objectives of Sharia and wisdom in the Islamic judicial system, this study analyzes principles such as transparency, judicial independence, meritocracy, accountability, and justice within the judicial system and explores how they influence efficiency and sustainable justice in society. Additionally, it provides a comparison between the judicial systems of Islamic countries and global models, demonstrating how international experiences can be leveraged to improve the Islamic judicial system. The goal of this research is to introduce strategies based on Sharia and wisdom principles that can help formulate and develop an Islamic judicial system. In this context, suggestions are made to enhance transparency, strengthen judicial independence, establish meritocratic standards, and create effective accountability mechanisms in the Islamic judicial system. This research aims to assist policymakers and judicial authorities in Islamic countries in developing effective strategies to achieve justice and improve the quality of adjudication in their judicial systems.

Keywords: Islamic Judicial Governance, Objectives of Sharia, Transparency, Accountability, Judicial Independence

حکمرانی قضایی، به عنوان یکی از ارکان اساسی هر نظام دموکراتیک و قانونمدار، نه تنها در سطوح ملی بلکه در سطح بین‌المللی نیز نقشی اساسی ایفا می‌کند. در حالی که در بیشتر کشورهای جهان، حکمرانی قضایی از اصولی چون شفافیت، پاسخگویی، و استقلال پیروی می‌کند، نظام‌های قضایی اسلامی به‌ویژه از منظر فقه امامیه، بر اساس اصول ویژه‌ای مانند عدالت الهی، استقلال قضات و شایسته‌سالاری بنا شده‌اند که در برخی موارد با مدل‌های جهانی تطابق یا تفاوت‌هایی دارند. در این راستا، مطالعه تطبیقی راهکارها و تجارب موجود در کشورهای مختلف می‌تواند به غنای حکمرانی قضایی در نظام‌های اسلامی کمک کند.

در حالی که بیشتر تحقیقات موجود در سطح جهانی به ارزیابی عملکرد سیستم‌های قضایی و نظارت بر آن‌ها محدود شده است، شکاف قابل توجهی در زمینه شناسایی و مستندسازی راهکارهای نوآورانه برای بهبود کیفیت عدالت وجود دارد (European Commission, 2015, p. 2). تحقیقات زیادی تاکنون بر اساس جمع‌آوری داده‌ها و ارزیابی‌های عملکردی نظیر ارزیابی CEPEJ و شاخص عدالت اتحادیه اروپا صورت گرفته است، اما تلاش‌های کمی برای شناسایی شیوه‌های عملی و راهکارهایی که به طور مستقیم در بهبود کیفیت عدالت موثر باشند، انجام شده است (Langbroek و Dijkstra, 2017, p. 328).

ضرورت این تحقیق در این است که تا به امروز تلاش‌های کمی برای تطبیق و انتقال شیوه‌های نوین حکمرانی قضایی در کشورهای اسلامی به‌ویژه بر اساس فقه امامیه صورت گرفته است. بررسی و تحلیل تجربیات کشورهای مختلف، به‌ویژه در چارچوب حکمرانی قضایی اسلامی، می‌تواند به یافتن شیوه‌های بهبود و اصلاح نظام قضایی کمک کند. به‌طور خاص، از آنجا که فقه امامیه بر عدالت، شایسته‌سالاری و استقلال قضات تأکید دارد، لازم است این اصول در مقایسه با تجربیات بین‌المللی بررسی شوند تا بتوان از آنها به عنوان مبنای سیاست‌گذاری قضایی بهره گرفت.

تحقیقات موجود عمدتاً بر ارزیابی عملکرد سیستم‌های قضایی تمرکز داشته‌اند و در مواردی نیز بررسی‌هایی در خصوص راهکارهای بهبود حکمرانی قضایی در برخی کشورهای اسلامی صورت گرفته است. به‌عنوان مثال، در ایران و سایر کشورهای اسلامی، فقه امامیه به‌طور گسترده‌ای برای تعیین اصول حکمرانی قضایی مورد استفاده قرار گرفته است (محمدی، 1401، ص 45). در این راستا، بسیاری از تحلیل‌ها به تأثیرات مستقیم فقه بر مدیریت قضایی

و استقلال مالی قوه قضائیه اشاره دارند. با این حال، تحقیقات کمتری در خصوص تجربه‌های عملی و نوآورانه در بهبود کیفیت عدالت در سیستم‌های قضایی اسلامی و تطبیق آن با سیستم‌های جهانی وجود دارد.

یکی از خلأهای عمده در مطالعات موجود، نبود یک تحلیل جامع و تطبیقی بین‌المللی از تجربیات نوآورانه در حکمرانی قضایی اسلامی است. اگرچه گزارش‌ها و تحقیقات مختلفی در زمینه‌های اصلاح سیستم‌های قضایی و بهبود کیفیت عدالت ارائه شده‌اند، اما این تحقیقات عمدتاً به بررسی عملکرد سیستم‌ها پرداخته‌اند و تمرکز خاصی بر به‌کارگیری شیوه‌های نوآورانه در زمینه حکمرانی قضایی اسلامی وجود ندارد (Fabri et al., 2005, p. 103). این موضوع نیازمند تحقیقات جدیدی است که راهکارهای نوین حکمرانی قضایی در کشورهای اسلامی و مقایسه آن با سیستم‌های قضایی جهانی را مورد بررسی قرار دهند.

این تحقیق سعی دارد تا با بررسی راهکارهای نوآورانه در حکمرانی قضایی اسلامی، ضمن ارائه یک تحلیل تطبیقی، به شناسایی و تبیین بهترین شیوه‌های حکمرانی قضایی در نظام‌های اسلامی بپردازد. در این تحقیق، تلاش خواهد شد که تجربیات کشورهای اسلامی در راستای فقه امامیه بررسی و مقایسه شود تا نشان داده شود که چگونه می‌توان از تجربیات دیگر کشورها برای بهبود نظام قضایی و افزایش کیفیت عدالت استفاده کرد (Dijkstra, و Langbroek, 2017, p. 328).

هدف اصلی این تحقیق، تحلیل و شناسایی راهبردهای حکمرانی قضایی اسلامی بر اساس فقه امامیه و تطبیق آن با شیوه‌های جهانی است. این تحقیق به‌ویژه بر شناسایی نوآوری‌ها در سیستم‌های قضایی اسلامی و راهکارهای کاربردی برای بهبود عملکرد دستگاه‌های قضایی اسلامی تمرکز دارد. به‌طور خاص، هدف این است که نشان داده شود چگونه می‌توان از تجربیات کشورهای مختلف برای بهبود کیفیت عدالت در کشورهایی که سیستم قضایی آن‌ها بر اساس فقه امامیه است، استفاده کرد.

اهمیت این تحقیق در این است که می‌تواند به‌عنوان مرجع و راهنمایی برای سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران سیستم قضایی در کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. به‌ویژه در شرایطی که کشورهای اسلامی به دنبال اصلاحات قضائی و بهبود کیفیت عدالت هستند، این تحقیق می‌تواند به شناسایی شیوه‌های نوآورانه و کارآمد در حکمرانی قضایی اسلامی کمک کند و بستری مناسب برای تبادل تجربیات و ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه فراهم آورد (European Commission, 2015, p. 2). این تحقیق نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین‌المللی به

اشتراک‌گذاری تجربیات و آگاهی‌بخشی در زمینه حکمرانی قضایی اسلامی خواهد پرداخت و به غنای علمی و عملی در این حوزه کمک خواهد کرد.

1. چارچوب نظری و تجربیات در سایر کشورها

سیستم‌های قضائی در کشورهای مختلف برای ارزیابی و بهبود کیفیت عدالت در حال تغییر و تحول هستند. در گذشته، عدالت عمدتاً از منظر حقوقی ارزیابی می‌شد، به این معنا که بررسی می‌شد آیا قوانین شکلی و ماهوی به درستی در هر مورد خاص اعمال شده‌اند. با این حال، از دهه ۱۹۹۰ به بعد، با کاهش منابع در دسترس و گسترش رویکردهای مدیریتی جدید، چالش‌هایی برای سیستم‌های قضائی اروپا ایجاد شد. این چالش‌ها، آن‌ها را ملزم به بهبود کارایی، کیفیت خدمات و مکانیزم‌های پاسخگویی کرده است (کتینی و کارناوالی، ۲۰۱۰، ص ۶). به علاوه، کیفیت خدمات عمومی باید علاوه بر ارزش‌های حاکمیت قانون، ارزش‌های سازمانی و مدیریتی نظیر کارایی، اثربخشی، بهره‌وری و جهت‌گیری به سوی استفاده‌کنندگان را نیز در نظر بگیرد (کتینی و موهر، ۲۰۰۸، ص ۳). این تغییرات منجر به ایجاد اشکال جدیدی از ارزیابی و پاسخگویی در سیستم‌های قضائی شده است.

در حال حاضر، ارزیابی عملکرد سیستم‌های قضائی کشورها بر متغیرهای کارایی و اثربخشی تمرکز دارد (مانند ارزیابی CEPEJ و شاخص عدالت اتحادیه اروپا). با این حال، دیدگاه شهروندان و ذینفعان نسبت به فعالیت‌های قضائی (غیر از صدور حکم به موقع) باید مورد توجه قرار گیرد. همان‌طور که کتینی و موهر (۲۰۰۸، ص ۸) اشاره کرده‌اند، «برای درک و ارزیابی کار قضاوت در زمینه نهادی خود، باید آن را طبق انتظارات مشروع و بنیادی از قوه قضائیه، اجرایی و عمومی ارزیابی کرد». یک سیستم قضائی بسیار کارآمد می‌تواند از فقدان استقلال قضائی رنج ببرد و یا از انصاف بی‌بهره باشد.

ارزش‌های موجود در اصول سه‌گانه قانون محوری، کارایی و اقتصاد دارای جایگاه و اهمیت خاص خود در تضمین برخورد مناسب با استفاده‌کنندگان دادگاه‌ها هستند. اولویت دادن به یکی از این اصول در راستای تقویت فقط یک بعد می‌تواند منجر به عدم تعادل شود، مانند افزایش کارایی و اثربخشی که به هزینه انصاف، عدالت رویه‌ای و درک و توجیه مناسب حکم یا برخورد با استفاده‌کنندگان دادگاه به دست می‌آید (کتینی، ۲۰۰۷، ص ۳). استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات برای مدیریت پرونده‌های دادگاهی این امکان را فراهم کرده است تا عملکرد سیستم‌های قضائی به‌طور سیستماتیک از طریق جمع‌آوری آمار و داده‌های کمی اندازه‌گیری شود. این ابزارها برای حمایت از

ارزش‌های مدیریتی مؤثرند که به راحتی با شاخص‌های کمی قابل اندازه‌گیری هستند، اما در ارتقای دیگر ارزش‌های کلیدی قضائی ضعیف عمل می‌کنند (کنتینی و کارناوالی، ۲۰۱۰، ص ۸).

1-1. سیاست کلی حاکمیت قانون یا قانون محوری

اولین اصل از اصول کلی ارزیابی عملکرد قضائی، **قانون محوری** است. این اصل به طور سنتی در بسیاری از سیستم‌های قضائی از جمله اروپا به ارزیابی عملکرد دادگاه‌ها و قضات پرداخته است. در گذشته، عملکرد دادگاه‌ها بر اساس اصول حقوقی ارزیابی می‌شد، یعنی بررسی می‌شد که آیا قوانین شکلی و ماهوی به درستی در هر پرونده به کار گرفته شده‌اند یا نه. سیستم‌های قضائی برای تضمین انصاف، استقلال، بی طرفی و برخورد برابر با طرفین، ترتیبات خاص نهادی و رویه‌ای از جمله انتصاب قضات بی طرف، مراحل تجدیدنظر و بازرسی‌های قضائی را ایجاد کرده‌اند (کنتینی و موهر، ۲۰۰۸، ص ۲۸).

به علاوه، در سال‌های اخیر، بسیاری از سیستم‌های قضائی اروپا اقدام به تدوین کدهای اخلاقی و انضباطی و نیز ایجاد مکانیسم‌های شکایت کرده‌اند. این اقدامات به منظور حفظ استانداردهای قانونی و ترویج انصاف در دستگاه قضائی صورت گرفته است (کنتینی و کارناوالی، ۲۰۱۰، ص ۶-۷). به همین ترتیب، دادگاه‌های بین‌المللی نظیر دادگاه حقوق بشر اروپا و دیوان عدالت اتحادیه اروپا، با استفاده از ماده ۶ (۱) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۴۷ منشور حقوق بنیادی اتحادیه اروپا، به ارزیابی قانونی عملکرد قضائی پرداخته‌اند.

این ارزیابی‌های قانونی در سیستم‌های قضائی اروپا به خوبی جا افتاده و به عنوان اصل اساسی در فرآیند ارزیابی سیستم‌های قضائی پذیرفته شده است. این ارزش‌ها به همراه ترتیبات سازمانی و نهادی مستحکم، پایه‌گذار اولین اصل کلی هستند که سیستم‌های قضائی باید بر آن بنا شوند و ارزیابی شوند. برای مثال، سیستم‌های قضائی در ایتالیا، فرانسه و هلند با استفاده از مدل‌های جدید صدور حکم و توسعه دستورالعمل‌ها و روش‌شناسی‌های جدید در نگارش احکام قضائی، از جمله تقویت هم‌خوانی تفسیر مواد قانونی و روش‌های مشترک در فرآیندهای دادگاهی، به این اصول پایبند بوده‌اند (کنتینی و موهر، ۲۰۰۸، ص ۲۸).

1-2. سیاست کلی کارایی و مدیریت اقتصادی

دومین اصل، **کارایی و اقتصاد** است که در دو دهه گذشته بسیاری از دادگاه‌های اروپایی از آن برای ارزیابی عملکرد خود استفاده کرده‌اند. رویکرد مدیریتی مبتنی بر ارزیابی عملکرد با هدف‌های مشخص، از جمله کارایی،

اثربخشی، بهره‌وری و زمانبندی، به یک بخش کلیدی از ارزیابی قضائی تبدیل شده است. این ارزیابی‌ها معمولاً با استفاده از شاخص‌های کمی نظیر تعداد پرونده‌های ورودی، تعداد پرونده‌های حل شده و میزان رسیدگی به پرونده‌ها صورت می‌گیرد. با وجود اینکه این روش‌ها با رویکردهای قانونی سنتی در ارزیابی قضائی تضاد داشته‌اند، اما به تدریج این رویکرد مدیریتی به یک مؤلفه اصلی در ارزیابی عملکرد قضائی تبدیل شده است (کنتینی، ۲۰۰۷، ص ۳).

اقتصاد در معنای کلاسیک خود، به مدیریت دقیق منابع موجود اشاره دارد و اکنون به عنوان یک اصل در اداره سیستم‌های قضائی پذیرفته شده است. رویکردهای مدیریتی در بسیاری از کشورهای اروپایی، مانند مدل "دبرسن" در مجارستان و تخصیص منابع بر اساس وزن پرونده‌ها در فنلاند، به طور موثر منابع را برای بهبود کارایی و اثربخشی سیستم قضائی مدیریت کرده‌اند (کنتینی، ۲۰۰۷، ص ۳). همچنین در هلند، مکانیزم‌های تأمین مالی مبتنی بر خروجی و مذاکرات بودجه‌ای مبتنی بر معیارهایی نظیر تعداد پرونده‌ها به منظور تخصیص منابع، به طور مؤثری به بهبود کارکرد سیستم قضائی کمک کرده است.

این رویکرد، با وجود چالش‌هایی که با سیستم‌های قضائی سنتی دارد، توانسته است سیستم‌های قضائی را به سمت کارایی بیشتر هدایت کند. علاوه بر این، استفاده از فناوری اطلاعات برای جمع‌آوری آمار و داده‌های کمی در مدیریت پرونده‌ها، به طور مؤثر از ارزش‌های مدیریتی که به راحتی قابل اندازه‌گیری هستند، حمایت می‌کند (کنتینی و کارناوالی، ۲۰۱۰، ص ۸).

3-1. سیاست کلی مشروعیت

سومین اصل، **مشروعیت** است که به ارزیابی سیستم‌های قضائی از منظر عمومی و اعتماد شهروندان به این سیستم‌ها پرداخته است. در برخی از کشورها، اصول مشروعیت به طور صریح در قانون اساسی یا اصول حقوقی کشورها تأسیس شده است. برای مثال، در بسیاری از کشورهای اروپایی، عدالت به نام مردم یا ملت اجرا می‌شود. مشروعیت دستگاه قضائی تنها نمی‌تواند بر اساس اصول قانونی، مانند انتصاب قانونی قاضی و بی‌طرفی، بنا شده باشد. بلکه برخی از اشکال مسئولیت اجتماعی و پاسخگویی نیز باید به تقویت مشروعیت قضائی کمک کنند (کاپلتی، ۱۹۸۸، ص ۴۰).

در سطح بین‌المللی، ارزیابی قضائی از منظر مشروعیت به‌ویژه از طریق نظرسنجی‌های عمومی و سنجش سطح اعتماد مردم به سیستم قضائی انجام می‌شود. به طور خاص، در اروپا، بررسی‌های عمومی مانند Eurobarometer نظرات

عمومی در مورد استقلال سیستم‌های قضائی و اعتماد به آن‌ها را جمع‌آوری می‌کنند. این ارزیابی‌ها می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف و قوت سیستم قضائی و همچنین میزان مشروعیت آن در بین مردم کمک کند (کتینی، ۲۰۰۷، ص ۳۳۱).

بر اساس این داده‌ها، ارزیابی از منظر عمومی و توجه به انتظارات عمومی از دستگاه قضائی نه تنها به تقویت مشروعیت آن کمک می‌کند، بلکه به بهبود کیفیت خدمات قضائی و افزایش تعامل سیستم قضائی با مردم و استفاده‌کنندگان آن می‌انجامد. به عنوان نمونه، کشورهای اروپایی نظرسنجی‌هایی را به طور منظم برای ارزیابی کیفیت خدمات قضائی و میزان مشروعیت آن‌ها از شهروندان و کاربران دستگاه قضائی برگزار می‌کنند (کتینی و موهر، ۲۰۰۸، ص ۸).

۲. چارچوب نظری در فقه امامیه

در فقه امامیه، قضاوت نه تنها یک وظیفه اداری، بلکه منصبی الهی است که از جانب خداوند به پیامبر اسلام (ص) و سپس به امامان معصوم (ع) و فقهای جامع‌الشرایط تفویض شده است. این منصب از آنجا اهمیت دارد که در حدیث مشهور پیامبر (ص) آمده است: «و اعلمهم بالقضیه» (الغدير فی الکتاب و السنه و الادب، ج ۲، ص: ۷۹)، که تصریح دارد قضاوت استمرار رسالت الهی در تحقق عدالت است. این حدیث نشان می‌دهد که قضاوت فقط یک وظیفه اجرایی نیست، بلکه یک مسئولیت الهی است که برای برقراری عدالت در جامعه به وسیله قضات به عهده گرفته می‌شود.

این منصب ریشه در آیه‌ی شریفه قرآن دارد که می‌فرماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف: ۴۰). این آیه تصریح دارد که داوری و تشریع از شئون خاص خداوند است و قاضی تنها نایب او در زمین است. بر اساس این اصل، قضاوت در فقه امامیه به طور خاص جزء ولایت الهی به شمار می‌آید که هدف آن برقراری عدالت در جامعه انسانی است. پیامبر اسلام (ص) و سپس امامان معصوم (ع) به عنوان افرادی که از سوی خداوند منصوب شده‌اند، وظیفه دارند تا در میان مردم عدالت را برقرار کنند و احکام الهی را اجرا نمایند.

نظام قضایی در اندیشه‌ی شیعی بر پایه‌ی عدالت و کرامت انسان طراحی شده است. امام علی (ع) در دیدگاه خود قضاوت را «سهم خدا از حکومت» می‌دانست، زیرا هدف از آن احقاق حقوق مظلومان و اجرای حدود الهی است (فتحی، ۱۴۰۲: ص ۲۵). بنابراین، قضا در این نظام نه یک ابزار سیاسی، بلکه تجلی توحید در عرصه‌ی اجتماعی

است. این امر در فقه امامیه به وضوح بیان می شود که قضاوت باید تنها در راستای تحقق عدالت و بر اساس دستورات الهی صورت گیرد.

در نگاه قرآن، مأموریت پیامبران اقامه‌ی قسط از طریق حکم و داوری است. قرآن می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). این آیه به صراحت به مسئولیت پیامبران در برقراری عدالت از طریق داوری اشاره دارد و به طور ضمنی بیانگر این است که قضاوت باید در چارچوب عدالت الهی صورت گیرد. در این راستا، فقه امامیه قضا را فرع نبوت و لازمه‌ی امامت می داند. امام صادق (ع) فرمود: «اتقوا الحکومة فإن الحکومة إنما هي للإمام العالم بالقضاء، العادل في المسلمين، لنبي أو وصي نبي» (الفصول المهمة، جلد ۱، صفحه ۵۴۲).

فقه امامیه نظام قضائی خود را بر چهار مبنای معرفتی الهی می داند که شامل حکمت، عدالت، کرامت و رحمت است (فتحی، ۱۴۰۲: ص ۴-۵). نخستین اصل مبنای معرفتی، **حکمت** است که از صفات الهی است. قرآن می فرماید: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (بقره: ۲۶۹). خداوند حکیم افعال خود را بر اساس مصالح بندگان سامان می دهد و قضاوت نیز باید بر مبنای حکمت، اتقان و بی طرفی باشد. امام صادق (ع) در روایت معروفی می فرماید: «القضاء أربعة، ثلاثة في النار و واحد في الجنة، رجل قضی بجور و هو يعلم فهو في النار، و رجل قضی بحق و هو لا يعلم فهو في النار، و رجل قضی بالحق و هو لا يعلم فهو في الجنة، و رجل قضی بحق و هو يعلم فهو في الجنة» (الفصول المهمة، جلد ۳، صفحه ۴۰۸).

عدالت دومین مبنای معرفتی است که در فقه امامیه اساس تمامی احکام شرع محسوب می شود. قرآن می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰). عدالت در فقه امامیه به معنای «وضع کل شیء فی موضعه» است (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴)، یعنی حکم باید بر اساس واقعیت‌ها و حق صادر شود، نه بر اساس میل و هوا. پیامبر اسلام (ص) در حدیثی می فرماید: «لو أن فاطمة بنت محمد سرقت لقطعت يدها» (صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۵۰)، که در آن عدالت به عنوان رکن مشروعیت قضا تثبیت می شود.

کرامت انسان سومین مبنای معرفتی نظام قضائی اسلام است. قرآن در این رابطه می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰). تحقیر، شکنجه و اقرار تحت اجبار در فقه امامیه باطل و غیر شرعی است. در روایتی آمده است: «مَنْ اسْتَذَلَّ مُؤْمِنًا أَوْ حَقَرَهُ لِفَقْرِهِ أَوْ قِلَّةِ ذَاتِ يَدِهِ شَهَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَفْضَحُهُ» (کافی، ج ۲، ص ۳۵۰).

آخرین مبنا **رحمت** است. قرآن کریم پیامبر اسلام (ص) را «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷) معرفی می کند و حدود و مجازات ها را جلوه ای از رحمت الهی می داند که هدف آن اصلاح فرد و جامعه است، نه انتقام. قرآن می فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۹).

نظام قضائی در فقه امامیه اهداف خاصی را دنبال می کند که اصلی ترین آن ها **اقامه ی قسط و اصلاح جامعه** است. قرآن می فرماید: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یونس: ۴۷). طبق این اصل، عدالت قضائی نه تنها در راستای اعمال مجازات ها، بلکه برای احیای حقوق مردم و تأمین امنیت اجتماعی در نظر گرفته می شود. هدف نظام قضائی در فقه امامیه، احقاق حقوق مظلومان و برقراری عدالت است.

هدف دیگر نظام قضائی در فقه امامیه، **رفع خصومت و اصلاح ذات البین** است. امام علی (ع) فرمود: «صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ» (نهج البلاغه، وصیت ۴۷). این حدیث نشان می دهد که هدف از قضاوت، صلح و همزیستی اجتماعی است. قضاوت در فقه امامیه بیشتر در جهت برقراری آرامش و همبستگی اجتماعی صورت می گیرد و بر اختلافات میان مردم غلبه می کند.

هدف سوم از نظام قضائی در فقه امامیه، **صیانت از کرامت و حقوق بشر اسلامی** است. همان طور که خداوند در قرآن می فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ... فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲). این آیه بیانگر احترام به جان انسان است و نشان می دهد که هرگونه ظلم و تجاوز به حقوق بشر در نظام قضائی امامیه پذیرفته نمی شود.

در واقع تمامی این موارد را میتوان به عنوان فروع مقاصد شریعت و حکمت دانست و باید به همه آن ها در توسعه راهبرد های قضایی توجه داشت.

در فقه امامیه، قاضی به عنوان نایب امام و «ولی حکم» در نظر گرفته می شود. پیامبر اسلام (ص) در حدیثی فرمود: «الْقَضَاءُ ثَلَاثَةٌ وَاحِدٌ فِي الْجَنَّةِ وَاثْنَانِ فِي النَّارِ، فَأَمَّا الَّذِي فِي الْجَنَّةِ فَرَجُلٌ عَرَفَ الْحَقَّ فَقَضَى بِهِ...» (کافی، ج ۷، ص ۴۰۶). این روایت نشان می دهد که قاضی عادل دارای منزلتی در حد پیامبران است. امام علی (ع) نیز به شریح قاضی فرمود: «قد جلست مجلسا لا يجلسه إلا نبي أو وصي نبي أو شقي» (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۶).

در نظام قضائی فقه امامیه، قاضی باید ویژگی هایی مانند عدالت، فقاقت، عقل، اجتهاد و حریت را داشته باشد (شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۵۹). این ویژگی ها نشان می دهد که قاضی نه فقط کارمند حکومت، بلکه حامل امانت الهی

است. امام علی(ع) در سیره‌ی خود نشان داده‌اند که قاضی باید حتی در برابر خلیفه نیز استقلال داشته باشد و حکم او بر اساس شریعت اسلامی صادر شود.

1-2. سیاست کلی استقلال قضایی

استقلال قضائی از اصول بنیادین حکمرانی قضائی در اسلام است که به‌عنوان پیش‌نیاز حاکمیت قانون و تضمینی برای برقراری عدالت در فرآیند دادرسی مورد تأکید قرار گرفته است. از نظر اسلامی، قضاوت باید بر اساس عدالت و شفافیت باشد و در این راستا استقلال قاضی از هرگونه نفوذ بیرونی و درونی ضروری است. این استقلال از دو جنبه شخصی و نهادی قابل تحلیل است که در هر دو سطح، به تأمین دادرسی عادلانه و بی‌طرفانه کمک می‌کند. همانطور که در قرآن آمده است: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا» (انعام: ۱۰۴) که به‌روشنی بر ضرورت بصیرت و وضوح در تصمیم‌گیری‌ها تأکید دارد. این نوع بینش در قضاوت باید در شرایطی باشد که هیچ عامل خارجی نتواند بر تصمیم‌گیری قاضی تأثیر بگذارد. طبق نظر بهرامی (1395: 204)، استقلال قضائی مفهومی است که وضعیت مطلوب بخش قضائی حکومت را نشان می‌دهد و به‌طور خاص به این معناست که فرد قضات و بخش قضائی به‌طور کلی به دور از نفوذ ایدئولوژیک فعالیت نمایند.

استقلال قضائی به این معناست که قضات باید صرفاً بر اساس موازین قانونی و دستورات وجدانی خود، به دور از هرگونه نفوذ یا فشار بیرونی و درونی مبادرت به صدور حکم نمایند. در این راستا، جوادی‌آملی (1391: 178) بیان می‌کند که استقلال قاضی دو شرط اساسی دارد: اول، دوری از هوا و تمایلات شخصی و دوم، پیروی از دستورات الهی و اصول اسلامی. چالش‌های زیادی می‌تواند استقلال قاضی را تهدید کند که از آن جمله می‌توان به نفوذهای داخلی و خارجی اشاره کرد. جوادی‌آملی (1391: 179) در این باره می‌نویسد که غفلت از یاد خدا و پیروی از هوای نفس موجب انحراف در مسیر قضاوت می‌شود، لذا قاضی باید همواره بر خود مراقبت کند تا از تأثیرات منفی این نیروهای درونی و بیرونی مصون بماند.

استقلال قضائی به دو نوع شخصی و نهادی تقسیم می‌شود. استقلال شخصی، به این معناست که قاضی باید قادر باشد بدون هیچگونه دخالت خارجی تصمیم بگیرد، چه از جانب مقامات دولتی و چه از طرف گروه‌های دیگر. این نوع استقلال در اصول بنگلور نیز تحت عنوان "استقلال شخصی" شناخته می‌شود. از سوی دیگر، استقلال نهادی به توانایی قوه قضائیه در انجام وظایف خود بدون وابستگی به دیگر قوا و ارگان‌های اجرایی اشاره دارد (درویش‌زاده، ساکت، 1385: 39). این نوع استقلال در اسلام، نه تنها در رفتار فردی قاضی بلکه در سازمان قضائی نیز مورد تأکید

قرار دارد. جوادی آملی (1391: 172) به صراحت اشاره می‌کند که استقلال نهادی قوه قضائیه باید تضمین شود تا هیچ‌گونه نفوذی از نهادهای خارجی در عملکرد قضائی تأثیر نگذارد.

در مبانی فقهی استقلال قضائی، قضاوت به‌عنوان نوعی ولایت مطرح می‌شود. برخی فقها معتقدند که قضاوت باید از هرگونه دخالت یا نظارت بی‌مورد مصون باشد، چرا که قاضی باید بر اساس اصول عدالت و حقیقت تصمیم بگیرد و هیچ‌کس نباید در فرآیند دادرسی او دخالت کند. جوادی آملی (1391: 190-191) در این باره می‌نویسد که طبق مبنای اول، قضاوت نوعی ولایت است و هرگونه دخالتی در کار قاضی ممنوع است. این نظریه به‌ویژه در زمان امام علی (ع) و حضرت پیامبر (ص) قابل مشاهده است که تأکید داشتند قاضی باید مستقل از نفوذهای بیرونی حکم دهد. پیامبر (ص) در حدیثی فرموده‌اند: «يَا أَسَامَةُ لَا تَسْأَلْنِي حَاجَةً إِذَا جَلَسْتَ مَجْلِسَ الْقَضَاءِ فَإِنَّ الْحُقُوقَ لَيْسَ فِيهَا شَفَاعَةٌ» (نوری، 358/17). این حدیث به‌وضوح نشان می‌دهد که هیچ‌گونه شفاعت یا فشار نباید در تصمیمات قضائی مؤثر باشد.

در منابع حدیثی، به‌ویژه در نهج البلاغه و احادیث پیامبر اسلام، بر لزوم استقلال قاضی تأکید شده است. حضرت علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر، اشاره به این دارند که قاضی نباید تحت تأثیر طرف‌های دعوا و یا نفوذ دیگران قرار گیرد و باید در صدور حکم قاطع و مستقل باشد. این پیام از حدیث مشهور امیرالمؤمنین به مالک اشتر، که می‌فرماید: «و افسح له في البذل ما يزيل علة و تقل معه حاجته الى الناس» (نهج البلاغه / نامه 53) قابل برداشت است. همچنین، پیامبر (ص) در یک روایت دیگر به‌طور خاص تأکید کرده‌اند که در مقام قضاوت نباید هیچ‌گونه شفاعتی صورت گیرد و قضاوت باید بر اساس عدالت باشد: «فَإِنَّ الْحُقُوقَ لَيْسَ فِيهَا شَفَاعَةٌ» (نوری، 358/17).

در نظام حقوقی ایران نیز استقلال قضائی یکی از اصول کلیدی است. طبق اصل 164 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به‌طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل». این اصل به‌صراحت بر استقلال قضات و ممنوعیت تغییرات بی‌دلیل تأکید دارد. در ماده 3 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 نیز بیان شده است که مراجع قضائی باید با استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمایند. در سند امنیت قضائی مصوب 1399 ریاست قوه قضائیه آمده است: «اصل استقلال قضائی پیش شرط تحقق امنیت

قضائی و تضمین اساسی برای رسیدگی عادلانه است» که نشان‌دهنده اهمیت استقلال قضائی در تضمین عدالت و حقوق فردی است.

امام خمینی (ره) در سخنانی تأکید کرده‌اند که قاضی باید از هرگونه توصیه و فشار بیرونی مستقل باشد و در اعمال حکم خود تنها بر اساس عدالت و شریعت عمل کند. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود بیان کردند: «قاضی باید آزاد باشد و در محیط آزاد عمل بکند. توصیه‌ها را هیچ به آن اعتنا نکنید» (موسوی خمینی، 1385: 272/10). امام خمینی همچنین در مورد استقلال قاضی می‌فرمایند: «قضات واجد شرایط اسلامی باید با استقلال و بدون ملاحظه از مقامی احکام اسلام را صادر کنند» (همان، 105/17). این تأکیدات بر ضرورت استقلال قاضی و جلوگیری از هرگونه فشار بر تصمیمات قضائی تأکید دارند.

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه مواضع مشابهی دارند و تأکید می‌کنند که هیچ‌کس حتی رهبری حق دخالت در کار دادگاه را ندارد و قاضی باید بتواند آزادانه داوری کند و کار خود را انجام دهد. ایشان در جمع دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر فرمودند: «قاضی باید بتواند آزادانه داوری کند و کار خود را انجام دهد، و نباید در مخالفت با قاضی و حکم وی جوسازی شود» (رهبری، 1379). این تأکیدات از سوی رهبری و امام خمینی (ره) نشان‌دهنده اراده جدی برای حفاظت از استقلال قضائی در نظام اسلامی است.

برای تحقق رفتار قضائی متعالی، قاضی باید از معیارهای اخلاقی و معنوی برخوردار باشد و در مسیر قضاوت، به‌طور مداوم خود را تحت مراقبت‌های روحی و معنوی قرار دهد. همانطور که جوادی آملی (1391: 288-289) بیان می‌کند، قاضی باید از افعال شیطانی و هوای نفس دوری کرده و در تصمیم‌گیری‌های قضائی خود همواره بر اساس حقیقت عمل کند. در این راستا، مراقبه و محاسبه نفس از اصول اساسی برای رسیدن به استقلال قضائی و رفتار قضائی متعالی است. این آموزه‌ها نه تنها به استقلال قضائی کمک می‌کنند، بلکه موجب تقویت عدالت و برقراری اعتماد عمومی به دستگاه قضائی می‌شوند.

در نهایت، استقلال قضائی در اسلام به‌عنوان یک اصل بنیادین نه تنها برای حفظ عدالت بلکه به‌منظور تأمین حقوق بشر و حاکمیت قانون در جامعه است.

2-2. سیاست کلی پاسخگویی

پاسخگویی یکی از اصول اساسی حکومت اسلامی است که در قرآن و سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) مورد تأکید قرار گرفته است. در اسلام، حکومت به عنوان یک امانت الهی محسوب می‌شود که کارگزاران آن در برابر خدا و مردم مسئول هستند. این مسئولیت‌پذیری به‌ویژه در نظام قضائی اسلامی بسیار مهم است، زیرا قضات و مسئولان حکومتی باید به عدالت پاسخگو باشند و هیچ‌گونه استبدادی در رفتارشان وجود نداشته باشد.

در قرآن کریم، آیه‌ای وجود دارد که بر پاسخگویی و عدالت تأکید می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (سوره نساء، آیه 58). این آیه تأکید دارد که همه افراد، از جمله مقامات حکومتی و قضات، باید در برابر مردم پاسخگو باشند و عدالت را رعایت کنند.

پاسخگویی در اسلام به سه جنبه اصلی تقسیم می‌شود: پاسخگویی حقوقی، سیاسی و مالی. پاسخگویی حقوقی در نظام قضائی به این معناست که مقامات قضائی باید در برابر هر نوع فساد یا خطای قضائی پاسخگو باشند و در صورت تخلف، طبق قانون مورد بازخواست قرار گیرند. در این سیستم، هیچ‌کس از قانون فراتر نیست و همه مقامات از جمله قضات باید در برابر عدالت پاسخگو باشند.

پاسخگویی سیاسی در اسلام نیز به‌ویژه در نظام قضائی مشهود است. مقامات قضائی و کارگزاران حکومتی باید در برابر مردم و مجلس‌های قانونی پاسخگو باشند. این نوع پاسخگویی به‌ویژه در هنگامی که تصمیمات قضائی به عدالت اجتماعی آسیب بزنند یا حقوق مردم تضییع شود، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در این راستا، امام علی (ع) همواره بر پاسخگویی مقامات تأکید داشتند و از آنان خواستند که در برابر مردم مسئول و شفاف باشند.

در نظام اسلامی، دولت و مقامات قضائی در قبال بیت‌المال و اموال عمومی نیز پاسخگو هستند. امام علی (ع) در نامه‌های خود به مسئولان حکومتی به دقت بر نگهداری و صرف اموال عمومی تأکید داشتند. در نامه‌ای به مالک اشتر فرماندار مصر، امام علی (ع) فرمودند: «کارگزاران دولتی باید پاسخگو باشند که چگونه بیت‌المال و اموال عمومی را هزینه می‌کنند و باید از فساد مالی جلوگیری شود» (نهج البلاغه، نامه 53).

در این سیستم پاسخگویی، قضات باید نظارت دقیقی بر رفتار و تصمیمات خود داشته باشند. امام علی (ع) در خطاب به کارگزاران قضائی، دستور می‌دهند که در حکم‌های قضائی‌شان شفاف و منصفانه عمل کنند و از هر نوع فساد و تبعیض خودداری نمایند. همچنین باید گزارش‌های دقیق و مستند از فعالیت‌های قضائی خود ارائه دهند تا مردم از اقداماتشان آگاه شوند.

امام علی (ع) در سیره حکومتی خود همواره به شفافیت و پاسخگویی تأکید داشتند و برای نظارت بر کارگزاران خود بازرسان ویژه‌ای اعزام می‌کردند. ایشان با این کار ضمن ایجاد نظارت بر عملکرد قضات و مسئولان، زمینه‌های فساد را کاهش می‌دادند و عدالت را در جامعه برقرار می‌کردند. امام علی (ع) در نامه‌های خود به مسئولان تأکید می‌کنند که «کارگزاران باید در برابر خدا و مردم پاسخگو باشند و هیچ‌گونه فساد را در مسئولیت خود تحمل نکنند» (نهج البلاغه، نامه 53).

پاسخگویی نظام قضائی در اسلام همچنین بر مبنای مسئولیت‌پذیری در برابر خدا و مردم استوار است. در اسلام، قضات و حکام باید بدانند که در نهایت در محضر خداوند باید پاسخگوی اعمال خود باشند. امام علی (ع) در خطبه‌ای معروف فرمودند: «من از شما می‌خواهم که اگر اشتباهی از من دیدید، مرا به آن اشتباه گوشزد کنید» (نهج البلاغه، خطبه 216). این سخن نشان‌دهنده اهمیت مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی حتی در سطح بالای حکومتی است.

پاسخگویی در اسلام به این معناست که هیچ‌کس حق ندارد در برابر مردم و خداوند از مسئولیت‌های خود شانه خالی کند. امام علی (ع) در نامه‌ای به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان، تأکید می‌کنند که «کار حکومت بر دوش شما امانت است و شما باید در برابر این امانت به‌طور کامل پاسخگو باشید» (نهج البلاغه، نامه 5).

در نهایت، در اسلام، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی نه تنها در سطح کارگزاران، بلکه در سطح تمام جامعه گسترش می‌یابد. همه افراد جامعه، از جمله قضات، باید در قبال اعمال خود مسئول باشند و از اعمال فسادآمیز و ظلم جلوگیری کنند. این اصل از همان ابتدا در تعلیمات پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) بیان شده است که هر فرد در جامعه اسلامی باید خود را در برابر خداوند و مردم پاسخگو بداند.

اسلام به‌عنوان یک دین جامع و کامل، بر اساس اصول اخلاقی و دینی، حکومتی شفاف، عادل و پاسخگو را برای پیشرفت جامعه و حفظ حقوق مردم تجویز می‌کند. در این سیستم، مقامات قضائی و حکومتی نه تنها در برابر قوانین، بلکه در برابر خداوند و مردم پاسخگو هستند و باید همیشه در اعمال خود به اصول عدالت و انصاف پایبند باشند.

3-2. سیاست کلی شفافیت

اصل شفافیت یکی از ارکان اساسی حکمرانی در اسلام است که در سیره حضرت علی (ع) به وضوح بیان شده است. این اصل با هدف ارتقاء اعتماد عمومی، پاسخگویی به مردم، و تضمین اجرای عدالت در جامعه اسلامی مطرح

شده است. شفافیت در حکومت به معنای علنی بودن اقدامات حکومتی، دسترسی آسان مردم به اطلاعات، و اطلاع‌رسانی دقیق در زمینه سیاست‌ها و تصمیمات است. امام علی (ع) در حکمرانی خود شفافیت را یک اصل ضروری برای حفظ عدل و انصاف می‌دانست.

در قرآن کریم نیز بر اهمیت شفافیت تأکید شده است. خداوند متعال در آیه‌ای می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (سوره نساء، آیه 58). این آیه تأکید دارد که حکام باید در امور خود عدالت را رعایت کنند و امانات را به صاحبانش برگردانند که از جمله آن‌ها شفافیت در تصمیمات قضائی است.

حضرت علی (ع) به عنوان یک حاکم اسلامی، شفافیت را در حکمرانی خود به‌طور جدی پیاده‌سازی کرد. یکی از ارکان شفافیت در حکومت ایشان، صراحت در بیان مواضع و سیاست‌های حکومتی بود. ایشان همواره با مردم در ارتباط بودند و دیدگاه‌های خود را به‌طور علنی و بی‌پرده با آن‌ها در میان می‌گذاشتند. در خطبه‌ای امام علی (ع) به مردم فرمودند: «حق شما بر من این است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم» (نهج البلاغه، نامه 50). این بیان شفاف از مواضع ایشان، دلیلی است بر آنکه در حکومت ایشان هیچ موضوعی جز موارد حساس امنیتی نباید پنهان می‌ماند.

در سیره حضرت علی (ع)، شفافیت به عنوان یکی از اصول اساسی در انتخاب کارگزاران و نحوه نظارت بر عملکرد آنان نیز مطرح است. ایشان در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرمایند: «کارگزاران را بر اساس شایستگی‌های علمی و اخلاقی برگزین و از میان کسانی که در عمل تجربه دارند، افراد شایسته را انتخاب کن» (نهج البلاغه، نامه 53). این دستور، شفافیت را در فرآیند گزینش مسئولان و اطمینان از کیفیت و صلاحیت آنان برجسته می‌کند.

یکی از روش‌های شفافیت در حکمرانی حضرت علی (ع) ایجاد شبکه نظارتی گسترده و استفاده از بازرسان مخفی بود. ایشان به شدت بر اهمیت نظارت بر کارگزاران تأکید داشتند و دستور می‌دادند تا بازرسان ویژه و مخفی برای ارزیابی دقیق عملکرد کارگزاران اعزام شوند. در نامه‌ای به مالک اشتر، حضرت علی (ع) می‌فرماید: «رفتار کارکنان را بررسی کن و بازرسان مخفی بر آنان بگمار» (نهج البلاغه، نامه 53). این سیستم نظارتی نه تنها باعث شفافیت بیشتر در اداره امور می‌شد، بلکه زمینه‌ساز برخورد با فساد و سوء استفاده از قدرت بود.

حضرت علی (ع) همچنین در اداره امور قضائی به شفافیت در محاکمات تأکید داشتند. وی معتقد بود که قضاوت باید در حضور مردم و در مکان‌هایی عمومی مانند مسجد انجام شود تا هیچ‌گونه شائبه‌ای در مورد احکام قضائی باقی

نماند. ایشان به شریح قاضی دستور دادند که قضاوت را در مسجد انجام دهد تا مردم بتوانند از نزدیک شاهد عدالت جویی باشند: «ای شریح! در مسجد قضاوت کن که این عمل برای اجرای عدالت بین مردم بهتر است» (نهج البلاغه، نامه 53).

شفافیت در عملکرد کارگزاران و آگاه‌سازی مردم از تصمیمات حکومتی، به معنای مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی به شهروندان بود. امام علی (ع) در خطبه‌ای خطاب به مردم فرمودند: «اگر مردم بر تو گمان ستم بردند، عذر خود را آشکارا با آنان در میان گذار» (نهج البلاغه، نامه 53). این سخن تأکید دارد بر اینکه مسئولان حکومتی باید به طور مداوم با مردم در ارتباط باشند و اگر شکایاتی از عملکردشان وجود دارد، باید به آن‌ها پاسخ دهند و شفاف‌سازی کنند.

در حکومت علوی، گزارش‌دهی به مردم یکی از ابزارهای شفافیت بود. حضرت علی (ع) همواره به کارگزاران خود دستور می‌دادند که گزارش‌های دقیق و شفاف از اقدامات خود به مرکز حکومت ارسال کنند. این اقدام به‌ویژه در مورد مسائل مالی و اداری حکومتی اهمیت ویژه‌ای داشت. حضرت علی (ع) در نامه‌ای به سلیمان بن صرد خزاعی که مسئول جمع‌آوری مالیات بود، می‌فرمودند: «به من اطلاع بده از مقدار آنچه از حقوق مسلمانان در نزدت جمع شده است» (نهج البلاغه، نامه 50).

حضرت علی (ع) در مدیریت خود از صداقت و راست‌گویی به‌عنوان یکی از اصول اساسی شفافیت استفاده می‌کردند. ایشان به کارگزاران خود توصیه می‌کردند که در مواجهه با مردم و در اداره امور، همیشه راست‌گو و صادق باشند. در یکی از خطبه‌های ایشان آمده است: «پیشوای قوم باید با مردم خود به راستی سخن گوید» (نهج البلاغه، خطبه 108). این تأکید بر صداقت، به‌ویژه در مسئولان حکومتی، باعث افزایش اعتماد مردم به حکومت و شفافیت بیشتر در تصمیمات می‌شود.

شفافیت در حکومت حضرت علی (ع) تنها محدود به کارگزاران نبود بلکه مردم نیز در فرآیند حکومتی باید مشارکت فعال داشته باشند. امام علی (ع) همواره مردم را به نظارت بر کارگزاران و گزارش‌دهی به حاکم تشویق می‌کردند. ایشان در نامه‌ای به مردم کوفه فرمودند: «اگر حاکم شما خلافتی مرتکب شد، او را اطاعت نکرده و مراتب را گزارش دهید» (مفید، 1416: 420). این روش، شفافیت را در سطح جامعه و حکومت گسترش می‌داد و به‌نوعی مردم را در فرآیند نظارت بر حکومت شریک می‌کرد.

در نتیجه، شفافیت در حکمرانی اسلامی به ویژه در سیره حضرت علی (ع) به عنوان یکی از ارکان اصلی عدالت و پاسخگویی در حکومت شناخته می شود. ایشان با ایجاد سیستم های نظارتی، صداقت در تصمیمات، و اطلاع رسانی شفاف به مردم، نشان دادند که چگونه می توان حکومتی عادلانه و شفاف بر اساس اصول اسلامی برقرار کرد.

2-4. سیاست کلی شایسته سالاری

اصل شایسته سالاری یکی از اصول اساسی حکمرانی قضائی در اسلام است که از آن به عنوان یکی از راه های تحقق عدالت و حفظ نظم اجتماعی یاد می شود. در سیستم قضائی اسلامی، برای تضمین اجرای صحیح احکام و عدالت، شایسته سالاری از ضروریات است. بر اساس این اصل، شایستگی و قابلیت فرد باید معیار اصلی برای پذیرش مسئولیت های قضائی باشد. در قرآن کریم، یکی از مهم ترین ویژگی های انسان های خوب، آگاهی و علم است: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (سوره انفال، آیه 22). در این آیه خداوند کسانی را که از عقل و آگاهی بهره مند نیستند، بدترین جنبندها می داند، چرا که جهل و عدم علم مانع از تحقق حق و عدالت می شود.

از سوی دیگر، پیامبر اسلام علم را راس همه خیرات دانسته و بر ارزش آن تأکید می کند: «العلم راس الخیر کله و الجهل راس الشر کله» (مجلسی، 1403: 177/74). در روایات اهل بیت (ع)، همچنین، جهل به ویژه در زمینه قضاوت به شدت مورد مذمت قرار گرفته است. امام باقر (ع) می فرماید: «من افتی الناس بغير علم و لا هداى من الله لعنته ملائکه الرحمه و ملائکه العذاب و لحقه وزر من عمل بفتیاه» (کلینی، 1413: 409/7). در این روایت، امام باقر (ع) به صراحت اعلام می کنند که هر کسی که بدون علم و هدایت خداوند فتوا دهد، لعن شده و مسئولیت عظیمی بر دوش خواهد داشت. این سخن تأکید بر این است که شایستگی و علم از اصول مهم برای هر فردی است که در مقام قضاوت قرار می گیرد.

در حقیقت، طبق فرمایش امام صادق (ع)، حکمی که توسط قاضی صادر می شود، اگر بدون علم به درستی صادر گردد، منجر به عذاب الهی خواهد شد: «قضات چهار دسته اند که سه گروه آنها در جهنم و یک دسته از ایشان در بهشت خواهند بود: رجل قضی بجور و هو یعلم فهو فی النار؛ و رجل قضی بالحق و هو یعلم فهو فی الجنة» (کلینی، 1413: 407/7). این روایت بیانگر آن است که علم و آگاهی قاضی به عنوان یکی از ارکان مهم صدور حکم، نقش بسیار تعیین کننده ای در سرنوشت فرد قاضی و حتی آمرزش یا عذاب او در قیامت دارد.

امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در توصیف قاضی شایسته می فرماید: «خداوند متعالی دو شخص را به شدت دشمن می دارد: شخصی که علم ندارد و در مسند قضاوت قرار می گیرد و از مسیر صحیح منحرف می شود، و شخصی که با

تکبر و نادانی در مقام قضاوت قرار می‌گیرد» (جوادی آملی، 1391: 195-197). این سخن نه تنها بیانگر لزوم علم در قضاوت است بلکه به‌طور خاص بر شایستگی‌های فردی نیز تأکید دارد که باید پیش از هر چیزی به علم و آگاهی دست یابد تا بتواند در مقام قضاوت به درستی عمل کند.

در اسلام، فرآیند گزینش قضات به‌طور خاص بر اساس شایستگی‌های علمی و اخلاقی صورت می‌گیرد. یکی از معیارهای اساسی در گزینش قضات در نظام قضائی اسلامی، شایستگی در علم و آگاهی است. در سند امنیت قضائی ایران آمده است: «برای تسهیل پذیرش و سازگاری قضات و کارکنان با سازوکارها و رویه‌های ارتقاء شفافیت در نظام قضائی، پیش از عملیاتی شدن روش‌های مربوط باید آموزش‌های لازم در اختیار آن‌ها قرار بگیرد.» این موضوع نشان‌دهنده اهمیت آموزش و پرورش در زمینه قابلیت علمی قضات است تا بتوانند وظایف خود را به‌درستی و با عدالت کامل انجام دهند.

در نظام قضائی ایران نیز طبق بند 2 ماده 14 قانون نظارت بر رفتار قضات، تأکید شده است که «تأخیر غیرموجه کمتر از یک ماه در صدور رأی» تخلف و مجازات‌های انتظامی در پی خواهد داشت. این نشان‌دهنده لزوم انضباط کاری و رسیدگی به امور با سرعت و دقت است تا حقوق افراد ضایع نشود و عدالت به‌طور بهینه برقرار گردد. در این راستا، سند تحول قضائی ایران نیز بر «جذب قضات صرفاً از میان داوطلبان دارای مدارک سطح سه و سطح چهار حوزه یا کارشناسی ارشد و دکتری» تأکید دارد که نشان‌دهنده اهمیت تخصص و شایستگی در انتخاب قضات است.

یکی از اصول مهم در شایسته‌سالاری، انضباط کاری است که در اسلام به آن بسیار تأکید شده است. امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «من أطاع التواني ضيع الحقوق» (نهج البلاغه، حکمت 239) که نشان‌دهنده لزوم توجه به انضباط در عمل است. بدون انضباط، هیچ‌گونه کارآیی و پیشرفتی در هیچ زمینه‌ای به دست نخواهد آمد. این اصول در سطح قضاوت نیز اهمیت دارند زیرا تأخیر در تصمیم‌گیری یا سستی در اجرای عدالت موجب تضییع حقوق مردم می‌شود. در این زمینه، امام علی (ع) نیز در نامه‌ای به مالک اشتر تأکید می‌کنند که هر کاری باید در زمان خاص خود انجام گیرد و از سستی باید اجتناب شود: «امض لكل يوم عمله فان لكل يوم ما فيه» (نهج البلاغه، نامه 53).

شایسته‌سالاری در اسلام همچنین با مسئولیت‌پذیری ارتباط مستقیم دارد. در قرآن کریم آمده است: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء، آیه 36). در این آیه خداوند انسان را به مسئولیت‌پذیری در همه‌جا فرا می‌خواند. مسئولیت‌پذیری در قضاوت به معنای قبول مسئولیت‌های فردی و اجتماعی است که قاضی باید در هر شرایطی از آن فرار نکند و با دقت و علم کافی در صدور حکم عمل کند.

در نهایت، شایسته‌سالاری در حکمرانی قضائی اسلام به معنای توجه به علم، تخصص، انضباط و مسئولیت‌پذیری است. قاضی باید با علم و آگاهی، بدون تأثیر از فشارهای بیرونی، در راه تحقق عدالت گام بردارد و با رفتار اخلاقی و مسئولیت‌پذیر، شایستگی خود را در مقام قضاوت اثبات کند. در این زمینه، امام علی (ع) به‌طور ویژه به قاضی توصیه می‌کنند که در کارهای خود نهایت دقت و انصاف را رعایت کرده و از شتاب‌زدگی و بی‌احتیاطی پرهیز کنند: «فانصفوا الناس من النفسکم و اصبروا لحوائجهم» (نهج البلاغه، نامه 51).

۳. راهبرد های ناشی از سیاست های کلی در حکمرانی قضایی

۳-۱. راهبرد های ناشی از اصل شفافیت

اصل شفافیت در حکمرانی قضائی یکی از اصول اساسی است که نقش مهمی در ایجاد عدالت پایدار و کارآمدی سیستم قضائی ایفا می‌کند. شفافیت ساختاری به معنای وضوح در ساختار حکمرانی و فرآیندهای تصمیم‌گیری است که می‌تواند به‌طور مستقیم بر عدالت تأثیر بگذارد. هنگامی که ساختار و تصمیمات قضائی شفاف و روشن باشد، عموم مردم از نحوه اجرای عدالت آگاه خواهند شد و این امر زمینه‌ساز اعتماد بیشتر به سیستم قضائی است. همچنین، انسجام و استقلال در این شفافیت، از نفوذ غیرقانونی یا سیاسی جلوگیری کرده و تضمینی برای عملکرد درست و عدالت‌محور سیستم قضائی فراهم می‌آورد.

ارتباطات باز نیز یکی دیگر از ابعاد کلیدی شفافیت است که تأثیر زیادی در مشروعیت اجتماعی سیستم قضائی دارد. زمانی که تصمیمات قضائی و فرآیندهای آن به‌طور شفاف با مردم به اشتراک گذاشته شود، مردم احساس می‌کنند که در جریان عدالت‌ورزی قرار دارند و همین باعث می‌شود که اعتماد عمومی به قوه قضائیه تقویت شود. در این راستا، سیستم قضائی باید همواره با مردم ارتباط برقرار کرده و تصمیمات خود را به‌طور علنی بیان کند، چراکه این شفافیت موجب می‌شود که مردم نه تنها به قضاوت‌ها بلکه به کل فرآیند اجرایی سیستم قضائی اعتماد کنند.

از سوی دیگر، تقسیم شفاف نقش‌ها و مسئولیت‌ها در دستگاه قضائی یکی از ابزارهای موثر برای کاهش تعارض‌های نهادی است. وقتی که مسئولیت‌ها به‌طور واضح و دقیق بین قاضیان، مقامات قضائی و دیگر ارکان تقسیم می‌شود، نه تنها از تداخل و تعارض‌های ناشی از عدم شفافیت جلوگیری می‌شود بلکه این تقسیم نقش‌ها به ایجاد اعتماد بیشتر در میان مردم منجر می‌شود. در حقیقت، زمانی که مردم می‌بینند که مسئولیت‌ها به‌طور واضح و بر اساس شایستگی‌ها تقسیم شده است، احساس می‌کنند که عدالت به‌طور عادلانه و بدون هرگونه دخالت و فساد در حال اجراست.

شفافیت ساختاری و ارتباطات باز به طور غیرمستقیم به تقویت انسجام و استقلال سیستم قضائی کمک می کند. هنگامی که سیستم قضائی و حکومتی به طور شفاف عمل کند، نهادهای مختلف می توانند در هماهنگی و به طور هم افزا به پیش روند، بدون اینکه هیچ یک از آنها دچار فساد یا مداخله های غیرقانونی شوند. این شفافیت در ساختار حکمرانی همچنین به استقلال قضات کمک می کند، چرا که بدون هیچ گونه فشار یا مداخله از سوی نهادهای دیگر، قضات قادر خواهند بود که بر اساس معیارهای عدالت و شواهد موجود تصمیم گیری کنند.

در نهایت، شفافیت در دستگاه قضائی نه تنها بر عملکرد داخلی دستگاه تاثیر دارد بلکه به طور مستقیم بر پروژه های اصلاحی و نظارتی نیز تاثیر گذار است. در صورتی که تمامی مراحل دادرسی، تصمیم گیری و حتی نظارت بر فعالیت های قضائی به طور شفاف انجام شود، این شفافیت می تواند به عنوان یک اهرم اصلاحی در نظر گرفته شود که به جلوگیری از فساد و ارتقای کارایی دستگاه قضائی کمک می کند. به این ترتیب، شفافیت موجب شکل گیری فرهنگی از انصاف و عدالت می شود که می تواند در طولانی مدت به استحکام بیشتر اعتماد عمومی به سیستم قضائی کمک کند.

در مجموع، اصول شفافیت، تقسیم روشن مسئولیت ها، و ارتباطات باز در سیستم قضائی زمینه ساز تحقق عدالت پایدار، تقویت مشروعیت اجتماعی، و جلوگیری از فساد هستند. با ایجاد این ساختار شفاف و اعتمادزا، می توان به طور مؤثری عدالت را در جامعه پیاده سازی کرده و از نهادهای قضائی به عنوان ابزاری قدرتمند برای حفظ عدالت و قانون در جامعه استفاده نمود.

۲-۳. راهبرد های ناشی از اصل شفافیت

اصل پاسخگویی در سیستم قضائی یکی از اصول کلیدی است که می تواند به عنوان ضامن شفافیت و استقلال قضائی عمل کند. پاسخگویی در دستگاه قضائی به معنای آن است که مقامات قضائی باید قادر باشند تا دلایل و مبانی تصمیمات خود را به طور روشن و قابل فهم برای مردم و سایر نهادهای نظارتی توضیح دهند. وقتی قاضی یا مقام قضائی در برابر تصمیمات خود پاسخگو باشد، نه تنها مشروعیت خود را حفظ کرده بلکه از بروز فساد جلوگیری می شود. این پاسخگویی می تواند به عنوان یک بازدارنده از نفوذهای غیرقانونی یا سیاسی عمل کند و به حفظ استقلال قضائی کمک کند.

در کنار این، اصل شفافیت و پاسخگویی موجب تقویت انسجام و هماهنگی میان بخش های مختلف دستگاه قضائی می شود. وقتی نهادهای قضائی تصمیمات خود را به طور شفاف و مستند توضیح دهند و در برابر آنها پاسخگو باشند،

این امر به طور طبیعی موجب تقویت اعتماد مردم به سیستم قضائی می شود. مردم به این نتیجه می رسند که دستگاه قضائی به طور جدی و بدون مداخله های خارجی به حل و فصل دعاوی پرداخته و در پی اجرای عدالت است. این نوع شفافیت و پاسخگویی، به ویژه در تصمیمات مهم قضائی، باعث ایجاد حس اطمینان و اعتماد در میان مردم می شود.

مشارکت عمومی و نظارت های مردمی نیز از دیگر مزایای اصل پاسخگویی هستند. هنگامی که دستگاه قضائی در برابر مردم و نهادهای نظارتی پاسخگو باشد، مشارکت مردم در نظارت بر روند قضائی تشویق می شود. مردم به عنوان ذینفعان اصلی عدالت، باید احساس کنند که می توانند در روند اجرای عدالت و تصمیمات قضائی دخالت کنند یا دست کم از آن ها آگاهی پیدا کنند. این ارتباط و پاسخگویی باعث می شود که فرآیندهای قضائی از هر گونه فساد و تبعیض احتمالی دور بمانند و عدالت به طور واقعی در جامعه برقرار شود.

یکی دیگر از نتایج مثبت اصل پاسخگویی، تقویت مشروعیت اجتماعی سیستم قضائی است. زمانی که نهاد قضائی در برابر مردم و سایر نهادها پاسخگو باشد، این امر باعث می شود که مردم از تصمیمات آن دستگاه حمایت کنند و آن را به عنوان نهادی مشروع و عادلانه بپذیرند. این پاسخگویی همچنین به عنوان یک اهرم نظارتی عمل می کند که از بروز تصمیمات اشتباه و فساد درون سیستم قضائی جلوگیری می کند. در واقع، پاسخگویی در دستگاه قضائی می تواند به عنوان یک مکانیسم اصلاحی عمل کند که موجب بهبود عملکرد این سیستم می شود.

از نظر فقهی و اخلاقی، پاسخگویی نه تنها یک الزام قانونی است بلکه یک وظیفه الهی نیز محسوب می شود. قرآن کریم در آیات مختلف بر لزوم پاسخگویی در برابر اعمال خود تأکید کرده است. در همین راستا، در فقه امامیه، قاضی و دیگر مقامات قضائی موظف اند که در برابر خدا و مردم پاسخگوی تصمیمات خود باشند. این پاسخگویی به ویژه زمانی اهمیت پیدا می کند که تصمیمات قضائی در مورد حقوق افراد یا جامعه تأثیرگذار باشد. بنابراین، دستگاه قضائی باید از هر گونه مصلحت سنجی خارج از ضوابط قانونی پرهیز کرده و تصمیمات خود را بر پایه ی عدالت و شفافیت اتخاذ کند.

در نهایت، اصل پاسخگویی نه تنها مکمل شفافیت و استقلال قضائی است، بلکه به عنوان یک ابزار مؤثر برای تقویت مشروعیت اجتماعی و اعتماد عمومی عمل می کند. این امر موجب می شود که مردم به دستگاه قضائی اعتماد کرده و آن را به عنوان نهادی مستقل و عادلانه بپذیرند. با توجه به این که پاسخگویی در دستگاه قضائی، به ویژه در نظام های

قضائی اسلامی، از اصول بنیادین به شمار می‌آید، می‌توان گفت که این اصل نقش حیاتی در ایجاد و حفظ عدالت پایدار دارد و موجب تقویت کارایی سیستم قضائی و ارتقای سطح اعتماد عمومی به این سیستم می‌شود.

۳-۳. راهبرد های ناشی از اصل شایسته‌سالاری

اصل شایسته‌سالاری در سیستم قضائی به‌طور ویژه‌ای بر انتخاب رهبران و مدیران تأکید دارد. انتخاب رهبران قضائی باید بر اساس شایستگی‌های علمی، اخلاقی و حرفه‌ای انجام شود تا از هرگونه تأثیرات سیاسی یا نفوذهای غیرقانونی مصون باشد. این اصل در واقع به‌عنوان ضامن عدالت و کارآمدی در نظام قضائی عمل می‌کند، چرا که رهبران باید توانایی‌های لازم را برای مدیریت و تصمیم‌گیری‌های عادلانه داشته باشند. اگر انتخاب رهبران بر اساس شایسته‌سالاری نباشد، خطر نفوذ فساد و مصلحت‌سنجی‌های سیاسی در سیستم قضائی افزایش می‌یابد که می‌تواند به بی‌اعتمادی عمومی و بی‌عدالتی منجر شود.

شایسته‌سالاری همچنین به‌عنوان یک اصل مهم در تقویت استقلال قضائی شناخته می‌شود. هنگامی که رهبران قضائی به‌طور شایسته انتخاب می‌شوند و از نفوذ سیاسی در امان می‌مانند، استقلال دستگاه قضائی حفظ می‌شود. این استقلال به رهبران اجازه می‌دهد که تصمیمات قضائی را بر اساس عدالت و قانون اتخاذ کنند، نه بر اساس فشارهای سیاسی یا دیگر ملاحظات خارجی. بنابراین، شایسته‌سالاری نه تنها موجب افزایش کارآمدی و اثربخشی دستگاه قضائی می‌شود، بلکه از مشروعیت این نهاد نیز حمایت می‌کند.

علاوه بر این، شایسته‌سالاری در انتخاب رهبران قضائی موجب تقویت اعتماد عمومی به سیستم قضائی می‌شود. زمانی که مردم مشاهده می‌کنند که رهبران قضائی بر اساس معیارهای علمی و حرفه‌ای انتخاب می‌شوند و در برابر ملاحظات سیاسی مصون هستند، این امر به افزایش اعتماد عمومی به عدالت و کارآمدی سیستم قضائی کمک می‌کند. در واقع، شایسته‌سالاری به‌عنوان یک معیار اخلاقی، به مردم این اطمینان را می‌دهد که رهبران قضائی توانایی و صداقت لازم برای مدیریت درست و اجرای عدالت را دارند.

تفویض امور اجرایی به مدیران حرفه‌ای یکی از راه‌کارهای دیگر برای تقویت اصل شایسته‌سالاری است. این اصل به این معناست که رهبران قضائی باید بر سیاست‌های کلان سیستم قضائی تمرکز کنند و مسئولیت‌های اجرایی را به افرادی با تخصص و تجربه کافی در این حوزه واگذار کنند. این تقسیم کار به‌طور مؤثر باعث بهبود عملکرد دستگاه قضائی می‌شود، زیرا مدیران حرفه‌ای قادر خواهند بود که امور اجرایی را به‌طور دقیق و با رعایت استانداردهای

حرفه‌ای مدیریت کنند. این تفویض مسئولیت‌ها، همچنین به جلوگیری از اشتباهات مدیریتی و تمرکز بیش از حد قدرت در دست یک فرد کمک می‌کند.

تمرکز رهبران قضائی بر سیاست‌گذاری کلان و تفویض مسئولیت‌های اجرایی به مدیران حرفه‌ای نه تنها موجب افزایش کارآمدی سیستم قضائی می‌شود، بلکه فرآیندهای تصمیم‌گیری را شفاف‌تر و منسجم‌تر می‌کند. رهبران قضائی با تمرکز بر تدوین سیاست‌ها و نظارت بر اجرای آن‌ها، می‌توانند اطمینان حاصل کنند که تصمیمات قضائی در راستای اهداف کلی عدالت و توسعه قرار دارند. این نوع تفویض مسئولیت‌ها موجب جلوگیری از فشارهای غیرضروری بر رهبران قضائی می‌شود و به آن‌ها این امکان را می‌دهد که بر موضوعات مهم‌تر و استراتژیک‌تر متمرکز شوند.

در نهایت، شایسته‌سالاری در سیستم قضائی به عنوان یک اصل محوری برای حفظ عدالت و کارآمدی سیستم عمل می‌کند. انتخاب رهبران بر اساس شایسته‌سالاری و تفویض مسئولیت‌های اجرایی به مدیران حرفه‌ای نه تنها موجب تقویت استقلال دستگاه قضائی می‌شود، بلکه به طور مستقیم بر مشروعیت اجتماعی سیستم قضائی نیز تأثیرگذار است. با این رویکرد، دستگاه قضائی می‌تواند در راستای تحقق عدالت و حفظ حقوق افراد عمل کند و به عنوان یک نهاد مؤثر در جامعه شناخته شود.

۴-۳. راهبرد های ناشی از اصل استقلال قضائی

اصل استقلال قضائی یکی از ارکان اساسی حکمرانی قضائی است که تضمین‌کننده عدالت و قانون‌مداری در سیستم قضائی است. این اصل بدین معناست که قضات باید بتوانند بدون هرگونه تأثیرات سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی تصمیم‌گیری کنند. استقلال قضائی از هرگونه فشار یا مداخله خارجی جلوگیری می‌کند و به قضات این امکان را می‌دهد که تنها بر مبنای عدالت و قوانین موجود به قضاوت پردازند. در غیر این صورت، سیستم قضائی به ابزاری برای پیشبرد منافع خاص تبدیل می‌شود و نمی‌تواند به طور مؤثر و منصفانه به حل اختلافات رسیدگی کند.

برای تقویت استقلال قضائی، صدای واحد نهادی در دستگاه قضائی باید با حفظ استقلال قضات همراه باشد. این به این معناست که در حالی که تصمیمات قضائی باید یکپارچه و منسجم باشد، قاضی باید استقلال رای خود را در برابر هرگونه فشار حفظ کند. صدای واحد نهادی، که نمایانگر هم‌راستایی کل دستگاه قضائی در اجرای عدالت است، می‌بایست از تداخل و تضاد در تصمیمات اجتناب کند. در عین حال، استقلال قضات ایجاب می‌کند که هر قاضی بر

اساس علم، تخصص و دلایل مستند خود تصمیم‌گیری کند، بدون آنکه تحت فشارهای سیاسی یا اجتماعی قرار گیرد.

فرآیندهای دادرسی نیز باید کاملاً در اختیار قوه قضائیه باقی بمانند تا استقلال آن حفظ شود. این استقلال در مدیریت فرآیندهای دادرسی به معنای آن است که هیچ نهاد دیگری نمی‌تواند در روند رسیدگی قضائی دخالت کند یا بر آن تأثیر بگذارد. این اصل به‌ویژه در زمانی که موضوعات حساس یا پیچیده مطرح است، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. حفظ استقلال در مدیریت دادرسی‌ها باعث می‌شود که قضات بتوانند با اطمینان و بدون نگرانی از تأثیرات خارجی، در موارد مختلف حکم صادر کنند.

در همین راستا، شفافیت و پاسخگویی نیز باید به‌گونه‌ای اجرا شوند که استقلال قضائی حفظ شود. به این معنا که هر تصمیم قضائی باید به‌طور شفاف و مستند توضیح داده شود و در عین حال، باید به‌گونه‌ای پاسخگو باشد که هیچ‌گونه تأثیرگذاری یا تسلط بیرونی بر آن وجود نداشته باشد. شفافیت موجب می‌شود که مردم و سایر نهادها از روند قضائی آگاه شوند و در صورت لزوم، بتوانند نظارت مؤثری بر آن داشته باشند. در عین حال، این شفافیت نباید به‌گونه‌ای باشد که استقلال قاضی و فرآیند دادرسی را تهدید کند.

استقلال قضائی نه تنها یک اصل فقهی و حقوقی است، بلکه یک اصل اخلاقی نیز محسوب می‌شود. در فقه امامیه، استقلال قضائی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول برای اجرای عدالت و جلوگیری از فساد مطرح است. این استقلال به قاضی این امکان را می‌دهد که در تصمیم‌گیری‌های خود بر اساس آموزه‌های دینی، اخلاقی و علمی عمل کند. هرگونه تداخل یا فشار از سوی نهادهای سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی بر قاضی، نه تنها به اعتبار و مشروعیت تصمیمات او لطمه وارد می‌کند، بلکه باعث می‌شود که عدالت به حاشیه رانده شود و قدرت‌ها جایگزین آن شوند.

در نهایت، حفظ استقلال قضائی یکی از ارکان اصلی یک سیستم قضائی عادلانه است که با شفافیت، پاسخگویی و مدیریت صحیح دادرسی‌ها همراه است. برای اینکه نظام قضائی بتواند به‌طور مؤثر به وظایف خود عمل کند و اعتماد عمومی را جلب نماید، باید از تمامی فشارها و مداخله‌های غیرقانونی و نادرست مصون باشد. تنها در این صورت است که می‌توان امیدوار بود که عدالت به‌طور واقعی در جامعه برقرار شود و حقوق افراد به‌درستی حفظ گردد.

۳-۵. راهبرد های ناشی از اصل محوریت قانون

اصل محوریت قانون در سیستم قضائی به طور کلی به اهمیت ترویج و اجرای قوانین در جامعه اشاره دارد. گفتمان سازی برای تقویت حاکمیت قانون یکی از مهم ترین اصول این بخش است. هنگامی که قانون در فرهنگ عمومی نهادینه می شود، افراد و نهادها به آن به عنوان یک مرجع معتبر و الزام آور نگاه می کنند و به آن احترام می گذارند. این امر موجب می شود که عدالت به عنوان یک اصل بنیادی در جامعه جاری شود و دیگر نیازی به فشار یا اجبار برای اجرای آن نباشد. گفتمان سازی باید به گونه ای باشد که مردم نه تنها از جنبه های قانونی آگاه شوند، بلکه از اهمیت و فلسفه پشت آن نیز مطلع شوند.

ترویج این گفتمان می تواند از طریق آموزش، رسانه ها و دیگر نهادهای اجتماعی صورت گیرد تا ارزش حاکمیت قانون در ذهن مردم تثبیت شود. این روند کمک می کند تا قوانینی که برای حفظ عدالت و نظم در جامعه وضع شده اند، به طور خودجوش و بدون نیاز به فشارهای بیرونی اجرا شوند. در چنین جامعه ای، افراد به طور طبیعی به دنبال رعایت قوانین خواهند بود و هرگونه تخلف یا نافرمانی از قانون به عنوان یک عمل ناپسند اجتماعی در نظر گرفته می شود. بنابراین، گفتمان سازی برای تقویت حاکمیت قانون به عنوان یک ضرورت اجتماعی برای نهادینه کردن نظم و عدالت در جامعه عمل می کند.

در این راستا، انتخاب رهبران قضائی بر پایه شایسته سالاری نیز از اصول اساسی در اعمال حاکمیت قانون است. انتخاب مدیران و رهبران بر اساس معیارهای علمی، اخلاقی و حرفه ای نه تنها به استقلال سیستم قضائی کمک می کند، بلکه زمینه را برای رعایت بیشتر قوانین فراهم می آورد. این انتخاب باید از هرگونه نفوذ سیاسی و مصلحت سنجی های غیرقانونی مصون باشد تا تصمیمات قضائی تنها بر مبنای عدالت و قانون گرفته شوند. اگر رهبران قضائی بر اساس شایسته سالاری انتخاب نشوند، سیستم قضائی ممکن است تحت تأثیر منافع شخصی یا سیاسی قرار گیرد و این امر منجر به فساد و بی عدالتی خواهد شد.

شایسته سالاری در انتخاب رهبران قضائی به معنای توجه به توانایی های علمی، تجربه و اخلاق افراد در جهت اجرای قوانین است. به عنوان مثال، قاضیانی که بر اساس معیارهای علمی و عملی انتخاب می شوند، می توانند در مواجهه با پرونده ها بر اساس اصول قانونی و عدالت حکم صادر کنند. انتخاب رهبران قضائی بر اساس شایسته سالاری همچنین منجر به تقویت اعتماد عمومی به سیستم قضائی می شود، زیرا مردم می بینند که افراد توانمند و با شایستگی در رأس دستگاه قضائی قرار دارند و به آنها اطمینان دارند که تصمیمات قضائی بر اساس قوانین عادلانه گرفته می شود.

در نتیجه، ترویج گفتمان‌سازی برای حاکمیت قانون و انتخاب رهبران قضائی بر پایه شایسته‌سالاری دو رکن اصلی برای تحقق اصل محوریت قانون در سیستم قضائی هستند. این دو اصل به‌طور مستقیم بر نحوه اجرا و رعایت قوانین تأثیر می‌گذارند و موجب می‌شوند که سیستم قضائی از هرگونه فساد و بی‌عدالتی محافظت شود. همچنین، این اصول به‌طور غیرمستقیم به تقویت مشروعیت اجتماعی دستگاه قضائی کمک می‌کنند، زیرا وقتی مردم باور کنند که قانون در جامعه رعایت می‌شود و رهبران قضائی بر اساس شایسته‌سالاری انتخاب می‌شوند، اعتماد آن‌ها به سیستم قضائی افزایش خواهد یافت.

حاکمیت قانون و شایسته‌سالاری همچنین بر تقویت استقلال قضائی تأثیر گذارند. وقتی که رهبران قضائی به‌طور مستقل از فشارهای سیاسی و اجتماعی انتخاب می‌شوند و قوانین را بی‌طرفانه اجرا می‌کنند، به‌طور طبیعی در فرآیندهای قضائی استقلال بیشتری وجود خواهد داشت. این استقلال به‌نوبه خود موجب می‌شود که قوانین با دقت و درستی بیشتری اعمال شوند و هیچ فشاری نتواند بر تصمیمات قضائی تأثیر بگذارد. از این رو، رعایت اصل حاکمیت قانون در سطح جامعه و سیستم قضائی از طریق انتخاب رهبران شایسته و ترویج این ارزش‌ها در جامعه، موجب ارتقاء سطح عدالت و انسجام اجتماعی می‌شود.

۳-۶. راهبرد های ناشی از اصل مشروعیت

اصل مشروعیت در حکمرانی قضائی به معنای تأسیس و حفظ پایه‌های قانونی و اخلاقی است که موجب اعتبار و پذیرش تصمیمات قضائی در جامعه می‌شود. این اصل به‌ویژه در حوزه دستگاه قضائی اهمیت فراوانی دارد، چرا که مشروعیت قضائی تنها از طریق رعایت عدالت، استقلال و پاسخگویی به‌دست می‌آید. یکی از ارکان اصلی این مشروعیت، روابط نهادی مثبت است. این روابط باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که نه تنها استقلال قوه قضائیه حفظ شود، بلکه از این استقلال برای تقویت مشروعیت اجتماعی استفاده گردد. به عبارت دیگر، نهادهای مختلف باید در تعامل با یکدیگر همکاری کنند، اما بدون اینکه استقلال هیچ کدام از آن‌ها به خطر بیفتد.

وجود روابط نهادی مثبت میان قوه قضائیه و سایر نهادهای حکومتی و اجتماعی باعث می‌شود که اقدامات قضائی به‌طور مؤثرتر و هماهنگ‌تر انجام شود. این همکاری‌ها، اگر در چارچوب استقلال قضائی صورت گیرد، موجب تقویت اعتماد عمومی به سیستم قضائی و تقویت مشروعیت آن می‌شود. اگر روابط نهادی به‌گونه‌ای باشد که نهادها بر اساس اصول قانون‌مداری و به‌دور از فشارهای غیرقانونی با یکدیگر تعامل داشته باشند، این اعتماد عمومی به‌طور

طبیعی تقویت خواهد شد. در نتیجه، این روابط نهادی می‌توانند نقش مهمی در استحکام پایه‌های مشروعیت قضائی ایفا کنند.

از دیگر اجزای کلیدی در تقویت مشروعیت، ارتباطات باز است. در سیستم قضائی، شفافیت در تصمیمات و فرآیندهای قضائی موجب می‌شود که مردم از چگونگی اجرای عدالت آگاه شوند و به آن اعتماد کنند. ارتباطات باز، که به‌طور مشخص به معنای تبیین و شفاف‌سازی تصمیمات قضائی برای عموم است، به‌طور مستقیم بر افزایش مشروعیت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. وقتی که مردم می‌بینند که تصمیمات قضائی نه تنها منطقی و عادلانه بلکه شفاف و قابل دسترسی هستند، احساس امنیت و اعتماد آن‌ها به سیستم قضائی تقویت می‌شود.

از این رو، شفافیت در ارتباطات قضائی می‌تواند عاملی حیاتی در افزایش مشروعیت اجتماعی باشد. علاوه بر این، ارتباطات باز در عرصه قضائی به این معناست که نهاد قضائی باید آماده باشد که تصمیمات خود را در معرض نظارت عمومی قرار دهد و توضیحات لازم را ارائه کند. این شفاف‌سازی باعث می‌شود که هیچ‌گونه ابهام یا سوء تفاهمی در فرآیند دادرسی و تصمیم‌گیری‌های قضائی ایجاد نشود. در نهایت، این شفافیت نه تنها موجب افزایش مشروعیت می‌شود، بلکه به‌طور مستمر اعتماد عمومی به دستگاه قضائی را در طول زمان تقویت می‌کند.

برقراری ارتباطات باز، علاوه بر این که باعث تقویت مشروعیت می‌شود، در راستای افزایش پاسخگویی دستگاه قضائی نیز قرار دارد. پاسخگویی در این زمینه یعنی قوه قضائیه باید توانایی این را داشته باشد که به سؤالات و شکایات عمومی پاسخ دهد و توضیح دهد که چرا یک تصمیم خاص گرفته شده است. این امر کمک می‌کند که قضاوت‌ها تنها به‌عنوان تصمیمات خشک و انتزاعی نباشند، بلکه به‌عنوان نتایج منطقی و قابل توجیه از یک فرآیند شفاف و قانونی تلقی شوند.

در نهایت، حفظ استقلال قضائی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی مشروعیت، نقش اساسی در تضمین سلامت سیستم قضائی و تقویت اعتماد عمومی دارد. اگر دستگاه قضائی تحت تأثیر فشارهای بیرونی قرار بگیرد یا فاقد شفافیت و پاسخگویی باشد، مشروعیت آن آسیب می‌بیند. بنابراین، باید روابط نهادی به‌گونه‌ای باشد که نه تنها استقلال دستگاه قضائی را حفظ کند، بلکه با تقویت ارتباطات باز و پاسخگویی، مشروعیت اجتماعی را افزایش دهد و اعتماد عمومی به سیستم قضائی را تحکیم کند.

۳-۷. راهبرد های ناشی از اصل کارایی

اصل کارایی در سیستم قضائی، به‌ویژه در مقیاس مدیریتی و اجرایی، به این معناست که ساختار و فرآیندهای قضائی باید به گونه‌ای طراحی شوند که بیشترین تأثیر را در تحقق عدالت داشته باشند. یکی از ارکان این اصل، تفویض امور اجرایی به مدیران حرفه‌ای است. رهبران قضائی باید بر سیاست‌گذاری کلان و استراتژیک تمرکز کنند و مسئولیت‌های اجرایی را به افرادی متخصص و با تجربه در این زمینه بسپارند. این تقسیم کار به سیستم قضائی اجازه می‌دهد که وظایف مختلف به‌صورت تخصصی انجام شوند و تصمیمات بر اساس تحلیل‌های دقیق و مؤثر گرفته شوند.

تفویض مسئولیت‌ها به مدیران حرفه‌ای موجب می‌شود که رهبران قضائی بتوانند بیشتر بر سیاست‌گذاری‌های کلان و راهبردی تمرکز کنند. این به نوبه خود موجب کارایی بیشتر و بهبود عملکرد سیستم قضائی خواهد شد. همچنین، مدیران اجرایی می‌توانند با توجه به تخصص خود، مسائل اجرایی را به‌صورت کارآمدتر حل کرده و از بروز مشکلات احتمالی جلوگیری کنند. به این ترتیب، تمرکز رهبران قضائی بر سیاست‌گذاری و هدایت کلی، در حالی که امور اجرایی به متخصصان سپرده می‌شود، باعث افزایش کارایی و اثربخشی در سیستم قضائی می‌گردد.

استقلال مالی یکی دیگر از ارکان اصلی در تحقق کارایی سیستم قضائی است. اگر قوه قضائیه از لحاظ مالی مستقل باشد و منابع مالی آن شفاف و مشخص باشد، این استقلال به آن اجازه می‌دهد که بدون دخالت‌های سیاسی و مالی تصمیم‌گیری کند. این امر موجب افزایش کارایی در عملکرد دستگاه قضائی می‌شود، زیرا منابع مالی کافی و مشخص برای اجرای عدالت در دسترس خواهند بود. علاوه بر این، استقلال مالی موجب می‌شود که تصمیمات قضائی بر اساس عدالت و شایستگی اتخاذ شوند، نه بر اساس فشارهای مالی یا سیاسی.

شفافیت منابع مالی قوه قضائیه نیز ارتباط مستقیم با کارایی و عدالت پایدار دارد. هنگامی که منابع مالی به‌صورت شفاف تخصیص داده شوند، این فرآیند موجب اطمینان از استفاده بهینه از بودجه می‌شود و جلوی هرگونه فساد یا سوءاستفاده از منابع را می‌گیرد. شفافیت در تخصیص بودجه و نظارت بر نحوه هزینه‌کرد منابع، نه تنها باعث کارایی بیشتر در سیستم قضائی می‌شود، بلکه اعتماد عمومی به این دستگاه را نیز افزایش می‌دهد. از این رو، شفافیت و استقلال مالی به‌عنوان شرایط اصلی کارایی و عدالت پایدار در سیستم قضائی شناخته می‌شوند.

در نهایت، برای اینکه سیستم قضائی کارآمد و مؤثر باشد، باید مدیریت منابع و وظایف به‌صورت هماهنگ و منظم انجام شود. تقسیم وظایف میان رهبران قضائی و مدیران اجرایی نه تنها کارایی را افزایش می‌دهد، بلکه موجب می‌شود که فرآیندهای قضائی به‌طور سیستماتیک و بدون هیچ‌گونه تداخلی پیش بروند. این فرآیندها می‌توانند

به‌طور مؤثری به تحقق عدالت کمک کنند و همچنین نیاز به مدیریت منابع مالی را با دقت و شفافیت بیشتر برطرف سازند. این هماهنگی میان سیاست‌گذاری کلان و مدیریت اجرائی در نهایت منجر به یک سیستم قضائی با کارآیی بالا و عدالت پایدار می‌شود.

با توجه به موارد فوق، کارآیی سیستم قضائی نه تنها در نحوه مدیریت امور اجرائی، بلکه در استقلال مالی و شفافیت منابع نیز ریشه دارد. وقتی که این اصول به‌طور مؤثر و هماهنگ در سیستم قضائی پیاده‌سازی شوند، عدالت به‌طور پایدار و مؤثر اجرا می‌شود. در چنین سیستمی، مشکلات اجرائی به حداقل می‌رسند و قوه قضائیه می‌تواند به‌طور شفاف و کارآمد، در جهت تأمین عدالت برای همه مردم عمل کند.

۸-۳. راهبرد های ناشی از اصل مدیریت اقتصادی

مدیریت اقتصادی در سیستم قضائی به معنی استفاده بهینه از منابع مالی برای تحقق عدالت است. این اصل به‌ویژه در شرایطی که منابع محدود هستند و مسئولیت‌های زیادی باید برآورده شود، اهمیت زیادی دارد. استقلال مالی یکی از ارکان اصلی این مدیریت است. وقتی که دستگاه قضائی از نظر مالی مستقل باشد، این استقلال به آن اجازه می‌دهد تا تصمیمات خود را بر اساس اصول قانونی و بدون تأثیرپذیری از فشارهای سیاسی یا اقتصادی اتخاذ کند. به عبارت دیگر، استقلال مالی به دستگاه قضائی امکان می‌دهد که به‌طور مؤثر و منصفانه عمل کند و هیچ عامل بیرونی نتواند بر فرآیندهای قضائی تأثیر بگذارد.

شفافیت مالی در سیستم قضائی نیز به همان اندازه اهمیت دارد. شفافیت در نحوه تخصیص منابع و نظارت بر هزینه‌ها باعث می‌شود که مردم و نهادهای مختلف بتوانند از نحوه استفاده از منابع آگاه شوند. این شفافیت، نه تنها فساد را کاهش می‌دهد، بلکه به اعتماد عمومی به دستگاه قضائی نیز افزوده می‌شود. وقتی مردم اطمینان داشته باشند که منابع مالی به‌طور صحیح و بر اساس نیازهای واقعی قضائی مصرف می‌شود، اعتماد آن‌ها به سیستم قضائی تقویت می‌شود و از این طریق، عدالت پایدارتر خواهد شد.

مدیریت اقتصادی مؤثر در سیستم قضائی به معنای تخصیص بهینه منابع به بخش‌هایی است که بیشترین تأثیر را در اجرای عدالت دارند. این به معنی صرفه‌جویی در هزینه‌ها و جلوگیری از اتلاف منابع است. همچنین، مدیریت منابع مالی باید به گونه‌ای باشد که از هرگونه فساد جلوگیری کند و اطمینان حاصل شود که منابع به‌درستی و برای اهداف قانونی استفاده می‌شود. به این ترتیب، کارآیی سیستم قضائی از طریق مدیریت دقیق منابع مالی تضمین می‌شود و عدالت می‌تواند به‌صورت پایدار و مؤثر اجرا گردد.

استقلال مالی همراه با شفافیت همچنین به قوه قضائیه این امکان را می‌دهد که از منابع مالی خود برای توسعه و بهبود سیستم‌های داخلی، آموزش قضات، و تجهیز زیرساخت‌های مورد نیاز استفاده کند. این استقلال مالی کمک می‌کند تا قوه قضائیه بتواند تصمیمات خود را بدون نیاز به حمایت مالی از دیگر نهادها اتخاذ کند. این به معنای حفظ کارآیی در سیستم قضائی است، زیرا منابع مالی مستقیماً از طریق یک سیستم مستقل تأمین می‌شود و دستگاه قضائی می‌تواند بدون دغدغه‌های مالی به اجرای عدالت بپردازد.

در کنار استقلال مالی، توجه به مدیریت منابع نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زمانی که قوه قضائیه بتواند به طور مؤثر منابع خود را مدیریت کند، قادر خواهد بود تصمیمات بهتری در زمینه توزیع بودجه و تخصیص منابع به بخش‌های مختلف اتخاذ کند. این فرآیند باعث می‌شود که دستگاه قضائی به طور مؤثرتر و کارآمدتر عمل کند و از اتلاف منابع جلوگیری نماید. در این حالت، عدالت به طور مستمر و پایدار در جامعه پیاده‌سازی می‌شود.

در نهایت، شفافیت در تخصیص بودجه و منابع مالی به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان مدیریت اقتصادی در سیستم قضائی، موجب افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضائی و ایجاد یک سیستم کارآمد می‌شود. هنگامی که منابع مالی به طور شفاف تخصیص داده شوند، مردم و نهادهای نظارتی می‌توانند بر نحوه استفاده از این منابع نظارت داشته باشند. این نظارت و شفافیت نه تنها فساد را کاهش می‌دهد، بلکه کارآیی و عدالت را در سیستم قضائی تضمین می‌کند.

۴. جمع بندی

این راهبردهای مستنتج از اصول حکمرانی قضائی، به طور جامع به ساختار و کارکردهای سیستم قضائی توجه دارند تا آن را به سیستمی شفاف، پاسخگو، شایسته‌سالار، مستقل، قانونی، مشروع، کارا و از نظر اقتصادی پایدار تبدیل کنند. اصل شفافیت نخستین اصل است که بر لزوم شفافیت در ساختار حکمرانی و ارتباطات تأکید دارد. شفافیت در ساختار تصمیم‌گیری و ارتباطات نه تنها عدالت پایدار را تضمین می‌کند بلکه باعث تقویت مشروعیت و اعتماد عمومی نیز می‌شود. این اصل بیان می‌کند که تقسیم شفاف نقش‌ها موجب کاهش تعارض نهادی و افزایش اعتماد عمومی است.

اصل پاسخگویی به طور مستقیم با شفافیت در ارتباطات در هم آمیخته است. این اصل بر این نکته تأکید دارد که برای تقویت مشروعیت و اعتماد عمومی، سیستم قضائی باید به طور شفاف به مردم پاسخگو باشد. همچنین، پاسخگویی

باید به طور نهادی و مکمل استقلال قضائی باشد تا هرگونه تأثیرپذیری از دیگر نهادها و فشارهای بیرونی را کاهش دهد و عدالت را تضمین کند. از همین رو، باید ارتباطات باز و شفاف در سیستم قضائی برقرار باشد.

اصل شایسته سالاری در انتخاب رهبران قضائی تأکید می کند که انتخاب رهبران باید بر اساس شایستگی باشد و از نفوذ سیاسی مصون بماند. این اصل نقش بسیار مهمی در تضمین استقلال و کارآیی سیستم قضائی دارد. شایسته سالاری در انتخاب رهبران قضائی نه تنها موجب کارآمدی بیشتر می شود بلکه باعث تقویت حاکمیت قانون و استقلال سیستم قضائی نیز می گردد. همچنین، رهبران قضائی باید تمرکز خود را بر سیاست گذاری کلان قرار دهند و امور اجرایی را به مدیران حرفه ای واگذار کنند.

اصل استقلال قضائی یکی از اصول حیاتی برای ایجاد یک دستگاه قضائی قوی و موثر است. استقلال قضائی با حفظ استقلال قضات، تقویت اقتدار قضائی را تضمین می کند. از سوی دیگر، فرآیندهای دادرسی باید کاملاً در اختیار قوه قضائیه باقی بمانند تا از هرگونه نفوذ و دخالت بیرونی جلوگیری شود. این اصل به ویژه بر لزوم حفظ استقلال قضائی در مواجهه با فشارهای سیاسی تأکید دارد و شفافیت و پاسخگویی باید به گونه ای اعمال شود که استقلال قضائی همچنان حفظ گردد.

اصل محوریت قانون به طور عمده بر ترویج ارزش های حاکمیت قانون در سطح جامعه تأکید دارد. گفتمان سازی و فرهنگ سازی در خصوص حاکمیت قانون از این منظر بسیار حائز اهمیت است. در این چارچوب، انتخاب رهبران قضائی باید بر اساس شایسته سالاری و بدون تأثیرپذیری از نفوذهای سیاسی صورت گیرد تا رعایت اصول قانونی به طور کامل در سیستم قضائی محقق شود. این اصل می خواهد که دستگاه قضائی از تأثیرات بیرونی مصون بماند و به طور کامل به معیارهای قانونی پایبند باشد.

اصل مشروعیت به معنای تقویت مشروعیت اجتماعی و اعتبار دستگاه قضائی است. روابط نهادی مثبت میان دستگاه قضائی و سایر نهادهای دولتی و ذی نفعان باید با حفظ استقلال قضائی انجام شود تا مشروعیت اجتماعی تقویت گردد. این اصل همچنین بر لزوم ارتباطات باز میان قوه قضائیه و مردم تأکید دارد که می تواند منجر به تقویت اعتماد عمومی به سیستم قضائی شود. به طور کلی، مشروعیت قضائی تنها زمانی محقق می شود که دستگاه قضائی از استقلال کامل برخوردار بوده و در عین حال از طریق شفافیت و پاسخگویی، به طور مستقیم به مردم پاسخ دهد.

اصل کارایی بر ضرورت کارآمدی سیستم قضائی تأکید دارد. این اصل بیان می کند که رهبران قضائی باید بیشتر بر سیاست گذاری کلان تمرکز کنند و امور اجرایی باید به مدیران حرفه ای سپرده شود. همچنین، استقلال مالی همراه با

شفافیت، شرط اساسی برای کارآمدی و عدالت پایدار است. این کارایی نه تنها از طریق مدیریت صحیح منابع مالی بلکه از طریق تخصیص بهینه منابع برای اجرای عدالت در سرتاسر سیستم قضائی محقق می شود.

در نهایت، اصل مدیریت اقتصادی تأکید می کند که استقلال مالی و شفافیت منابع باید در دستگاه قضائی حفظ شود تا علاوه بر کارآیی، عدالت پایدار نیز تأمین گردد. سیستم قضائی باید قادر باشد منابع مالی خود را به طور مستقل و شفاف تخصیص دهد تا از هرگونه فساد و عدم کارآیی جلوگیری شود. این امر کمک می کند تا عدالت در سطح گسترده تری در جامعه برقرار شود و از تضادهای اقتصادی جلوگیری شود. این اصول در کنار یکدیگر، به تشکیل یک سیستم قضائی توانمند، مستقل و کارا منتهی می شوند که می تواند به طور مؤثر و منصفانه عدالت را در جامعه برقرار کند.

جدول ۱. راهبردهای مستتج از هر اصل سیاستی کلی

اصل	راهبردهای مستتج	دلیل
شفافیت	۱. شفافیت ساختاری باید همراه با استقلال و انسجام باشد تا عدالت پایدار تضمین شود.	تأکید بر اهمیت شفافیت در ساختار حکمرانی و تصمیم گیری برای تضمین عدالت پایدار.
	۲. ارتباطات باز موجب مشروعیت اجتماعی و اعتماد عمومی می شود.	شفافیت در ارتباطات موجب تقویت مشروعیت و اعتماد عمومی در سیستم قضائی.
	۳. تقسیم شفاف نقش ها موجب کاهش تعارض نهادی و افزایش اعتماد عمومی است.	شفافیت در تعیین مسئولیت ها و نقش ها در سیستم قضائی باعث کاهش تعارض ها و تقویت اعتماد عمومی می شود.
پاسخگویی	۱. شفافیت و پاسخگویی باید اصل نهادی و مکمل استقلال قضائی باشد.	تأکید بر لزوم پاسخگویی در سیستم قضائی همراه با شفافیت و استقلال قضائی.
	۲. ارتباطات باز موجب مشروعیت اجتماعی و اعتماد عمومی می شود.	ارتباطات باز و پاسخگویی قضائی به مردم موجب تقویت مشروعیت و اعتماد عمومی به دستگاه قضائی.
شایسته سالاری	۱. انتخاب رهبران باید بر پایه شایسته سالاری باشد و از نفوذ سیاسی مصون بماند.	تأکید بر اهمیت شایسته سالاری در انتخاب رهبران قضائی بدون تأثیرپذیری از نفوذ سیاسی.
	۲. رهبران قضائی باید بر سیاست کلان تمرکز کنند و امور اجرایی به مدیران حرفه ای سپرده شود.	شایسته سالاری در انتخاب رهبران و تفویض مسئولیت های اجرایی به مدیران متخصص برای کارآمدی سیستم قضائی.
استقلال قضائی	۱. صدای واحد نهادی باید با حفظ استقلال قضات همراه باشد تا اقتدار قضائی تقویت شود.	حفظ استقلال قضات به عنوان شرطی برای تقویت اقتدار قضائی و جلوگیری از تأثیرات بیرونی.
	۲. فرآیندهای دادرسی باید کاملاً در اختیار قوه قضائیه باقی بمانند.	تأکید بر استقلال کامل قوه قضائیه در مدیریت فرآیندهای دادرسی.
	۳. شفافیت و پاسخگویی باید اصل نهادی و مکمل استقلال قضائی باشد.	شفافیت و پاسخگویی باید به گونه ای اجرا شوند که استقلال قضائی حفظ شود.
محوریت قانون	۱. گفتمان سازی باید ارزش حاکمیت قانون را به فرهنگ عمومی تبدیل کند.	اهمیت ترویج و گفتمان سازی درباره حاکمیت قانون در سطح جامعه برای نهادینه کردن آن.

	2. انتخاب رهبران باید بر پایه شایسته‌سالاری باشد و از نفوذ سیاسی مصون بماند.	انتخاب رهبران بر اساس معیارهای قانونی و شایسته‌سالاری به منظور رعایت قانون و استقلال سیستم قضائی.
مشروعیت	1. روابط نهادی مثبت باید استقلال را حفظ کرده و مشروعیت اجتماعی را تقویت کند.	روابط مثبت و تعاملی میان نهادهای مختلف باید بر اساس استقلال قضائی و تقویت مشروعیت اجتماعی باشد.
	2. ارتباطات باز موجب مشروعیت اجتماعی و اعتماد عمومی می‌شود.	ارتباطات باز باعث تقویت مشروعیت اجتماعی می‌شود و اعتماد عمومی به دستگاه قضائی را افزایش می‌دهد.
کارایی	1. رهبران قضائی باید بر سیاست کلان تمرکز کنند و امور اجرایی به مدیران حرفه‌ای سپرده شود.	تفویض امور اجرایی به مدیران متخصص و تمرکز رهبران قضائی بر سیاست‌گذاری کلان موجب کارآمدی بیشتر در سیستم قضائی.
	2. استقلال مالی همراه با شفافیت، شرط کارآمدی و عدالت پایدار است.	استقلال مالی و شفافیت منابع به افزایش کارآیی و تضمین عدالت پایدار کمک می‌کند.
مدیریت اقتصادی	1. استقلال مالی همراه با شفافیت، شرط کارآمدی و عدالت پایدار است.	مدیریت صحیح منابع مالی در دستگاه قضائی با تأکید بر استقلال مالی و شفافیت برای تضمین کارآیی و عدالت پایدار.

نتیجه گیری

در نتیجه گیری این مقاله، ابتدا می‌توان گفت که نظام قضائی اسلامی برای نیل به اهداف حکمرانی قضائی اسلام باید بر اساس اصول شریعت و حکمت بنا شود. این اصول شامل شفافیت، استقلال قضائی، شایسته‌سالاری، پاسخگویی و عدالت هستند که همگی در قالب یک سیستم جامع می‌توانند عدالت پایدار و کارآمدی سیستم قضائی را تضمین کنند. برای رسیدن به این اهداف، نخستین گام تقویت شفافیت در فرآیندهای قضائی است. شفافیت نه تنها موجب اعتماد بیشتر مردم به دستگاه قضائی می‌شود، بلکه فساد را کاهش می‌دهد و به مشروعیت سیستم کمک می‌کند. زمانی که مردم از نحوه تصمیم‌گیری‌ها و روند دادرسی آگاه باشند، به طور طبیعی به عدالت در سیستم قضائی باور خواهند داشت.

علاوه بر شفافیت، استقلال قضائی یکی از ارکان اصلی حکمرانی قضائی است که در اسلام به آن تأکید ویژه‌ای شده است. استقلال قضائی به این معناست که قضات باید از هرگونه نفوذ سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی مصون باشند و بتوانند بر اساس معیارهای قانونی و اصول عدالت، تصمیم‌گیری کنند. این استقلال به آن‌ها اجازه می‌دهد که تنها با توجه به شریعت و مدارک موجود حکم دهند، بدون آنکه تحت فشارها یا مداخلات خارجی قرار گیرند. برای تحقق این استقلال، باید نهادهای قضائی به طور ساختاری از سایر نهادها تفکیک شوند و منابع مالی آن‌ها نیز به صورت مستقل تأمین گردد.

در کنار استقلال قضائی، پاسخگویی یکی از اصول اساسی دیگری است که باید در نظام قضائی اسلامی پیاده‌سازی شود. مقامات قضائی باید در برابر مردم و مراجع نظارتی پاسخگو باشند و دلایل و مبانی تصمیمات خود را شفاف و مستند توضیح دهند. این پاسخگویی نه تنها به ارتقای شفافیت کمک می‌کند، بلکه به تقویت اعتماد عمومی به دستگاه قضائی می‌انجامد. در صورتی که سیستم قضائی قادر باشد در برابر مردم و مراجع نظارتی توضیح دهد که چرا تصمیم خاصی اتخاذ شده است، مشروعیت آن تصمیمات افزایش می‌یابد و مردم به آن اعتماد بیشتری خواهند کرد.

یکی دیگر از نکات مهم در توسعه نظام قضائی اسلامی، شایسته‌سالاری در انتخاب قضات و مسئولان قضائی است. برای این که سیستم قضائی به طور مؤثر عمل کند، قضات باید بر اساس شایستگی‌های علمی، فقهی و اخلاقی انتخاب شوند. انتخاب قضات بر اساس تجربه و صلاحیت‌های حرفه‌ای از اهمیت بالایی برخوردار است. اگر قضات تنها به دلیل روابط سیاسی یا سایر ملاحظات غیرقانونی انتخاب شوند، سیستم قضائی به ابزاری برای پیشبرد اهداف خاص تبدیل می‌شود و قادر نخواهد بود عدالت را به طور بی‌طرفانه اجرا کند. از این رو، توجه به شایسته‌سالاری و معیارهای حرفه‌ای در انتخاب قضات، یکی از الزامات اساسی برای تقویت سیستم قضائی اسلامی است.

در این راستا، استفاده از نوآوری‌ها و فناوری‌های جدید می‌تواند به بهبود کارایی سیستم قضائی کمک کند. به ویژه در دنیای مدرن، سیستم‌های قضائی باید از ابزارهای فناوری اطلاعات برای مدیریت پرونده‌ها و تسریع در فرآیند دادرسی بهره‌برداری کنند. این امر می‌تواند موجب کاهش تأخیر در رسیدگی به پرونده‌ها، ارتقای شفافیت و دسترسی آسان‌تر به اطلاعات قضائی شود. با این حال، باید توجه داشت که این نوآوری‌ها باید با اصول شریعت و حکمت اسلامی هم‌راستا باشند و در استفاده از آن‌ها، عدالت به هیچ وجه قربانی نشود.

همچنین، مقایسه و تبادل تجربیات بین‌المللی در زمینه حکمرانی قضائی می‌تواند به سیستم‌های قضائی اسلامی کمک کند تا از بهترین شیوه‌ها و نوآوری‌های جهانی بهره‌برداری کنند. کشورهای مختلف تجربیات موفقی در زمینه‌های مختلف سیستم قضائی دارند که می‌توانند به کشورهای اسلامی در بهبود سیستم‌های قضائی خود کمک کنند. به ویژه در زمینه شفافیت، پاسخگویی و استقلال قضائی، تجربیات کشورهای مختلف می‌تواند الگوهای مفیدی برای تطبیق با اصول شریعت و حکمت اسلامی ارائه دهد. این تبادل تجربیات می‌تواند به اصلاحات مؤثر در سیستم قضائی اسلامی کمک کند و آن را به سیستمی کارآمدتر و عادلانه‌تر تبدیل کند.

در نهایت، مهم‌ترین نتیجه‌گیری این است که برای ایجاد یک سیستم قضائی اسلامی کارآمد، باید تمامی این اصول و راهبردها به‌طور هم‌زمان به اجرا درآیند. تنها در این صورت است که می‌توان به هدف اصلی حکمرانی قضائی اسلامی که همان تحقق عدالت پایدار است، دست یافت. این سیستم باید در راستای شریعت و با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها و تجربیات موجود در جهان اسلام و فراتر از آن، به‌طور مؤثر عمل کند و بر پایه اصولی چون شفافیت، استقلال، شایسته‌سالاری و پاسخگویی، همگان را به اعتماد به آن سیستم متقاعد کند.

با پیاده‌سازی این اصول، نظام قضائی اسلامی می‌تواند نه تنها به اصلاحات داخلی خود پرداخته بلکه به الگویی برای کشورهای دیگر تبدیل شود. این سیستم می‌تواند در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی به‌عنوان نمونه‌ای از حکمرانی قضائی عادلانه، مستقل و شفاف شناخته شود که نه تنها موجب اجرای عدالت در داخل کشورها می‌شود، بلکه موجب تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر و عدالت قضائی خواهد شد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آذرنوش، آذرتاش. (1386). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. تهران: نشر نی.

آمدی، عبدالواحد بن محمد. (1378). غرر الحکم و درر الکلم (جلد 1 و 2). ترجمه هاشم رسولی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

بخشایش اردستانی، احمد، و فرزانه دشتی. (1392). مردم سالاری در حکومت امام علی (علیه السلام). پژوهشنامه علوی، 8 (زمستان).

بشیر، حسین. (1381). نظام دادرسی علوی. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، 32-33، بهمن و اسفند.

بلاذری، احمد بن یحیی. (1417 ق.). أنساب الأشراف (جلد 2). بیروت: دار الفکر.

جوادی آملی، عبدالله. (1374). تفسیر تسنیم (جلد 1-10). قم: مؤسسه اسرا.

حیدری، سید محمد. (1423 ق.). معجم الفعّال المتداوله (جلد 1). قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة.

دیوید، بیتهم، و کوین، بویل. (1376). دموکراسی چیست؟ (ترجمه شهرام نقش تبریزی). تهران: ققنوس.

شریفی، محمد. (1378). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.

طبری، ابو جریر. (1879). تاریخ طبری (جلد 3). بیروت: مؤسسه الآلمی للمطبوعات.

عباسنژاد، محسن. (1389). *سیره مدیریتی امام علی (علیه السلام)*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآن کریم حوزه و دانشگاه.

فابری، میشل، ژان، ژان-پیر، لانگ بروک، پتر و پالیات، هلموت (ویراستاران). (۲۰۰۵). *مدیریت قضایی در اروپا و ارزیابی کیفیت آن*. پاریس: انتشارات مونشریستین.

کاپلنتی، میکلائه. (۱۹۸۸). *قضات غیرمسئول؟ مطالعه تطبیقی در مورد مسئولیت قضات*. میلان: انتشارات جیوفری.

کلوس، لودویگ، روتن، سوزان، پاپلیر، پاتریک، هوپو، برنارد، راتاز، پیترو و استربان، گابریلا. (۲۰۱۷). *راهنمای بهترین شیوه‌ها برای مدیریت دادگاه‌های عالی*. دانشگاه آنتورپ، دانشگاه لیوبلیانا، دادگاه عالی جمهوری لتونی، دادگاه عالی لیتوانی، دادگاه عالی اسپانیا و دیوان کشور مجارستان.

کمیسیون اتحادیه اروپا. (۲۰۱۵). *کیفیت اداره عمومی: جعبه ابزار برای کارشناسان*. لوکزامبورگ: دفتر انتشارات اتحادیه اروپا.

کتینی، فابریو و کارناوالی، دانیله. (۲۰۱۰). *کیفیت عدالت: از تضاد به سیاست*. بولونیا: مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی و حکمرانی (IRSIG-CNR). ص ۶.

کتینی، فابریو و موهر، ریناتو. (۲۰۰۸). *ارزیابی قضائی: سنت‌ها، نوآوری‌ها و پیشنهادات برای اندازه‌گیری کیفیت عملکرد دادگاه‌ها*. زاربرکن: وی‌دی‌ام. ص ۲۸.

کتینی، فابریو. (۲۰۰۷). *ارزیابی عملکرد عدالت*. سمپوزیوم بین‌المللی اصلاحات قضائی، آنکارا: وزارت دادگستری ترکیه و بانک جهانی. ص ۳.

گیلبرگ، کریستوف. (۲۰۱۷). *دستورالعمل کیفیت عدالت*. پاریس: وزارت دادگستری فرانسه.

لانگ بروک، پتر و دیکسترا، ریچل. (۲۰۱۷). *مدیریت عملکرد دادگاه‌ها و قضات: یادگیری سازمانی و حرفه‌ای در مقابل مسئولیت‌های سیاسی*. در *ارزیابی و طراحی روش‌ها برای ارزیابی و توسعه کیفیت عدالت*.

لانگ بروک، پتر و دیکسترا، ریچل. (۲۰۱۷). *مدیریت عملکرد دادگاه‌ها و قضات: یادگیری سازمانی و حرفه‌ای در مقابل مسئولیت‌های سیاسی*. در *ارزیابی و طراحی روش‌ها برای ارزیابی و توسعه کیفیت عدالت*.

متقی هندی، علی. (۱۴۱۴ ق.). *الخصال* (جلد ۱). قم: دارالکتب الاسلامیه.

محمدی، غلامرضا. (۱۴۰۱). *فقه قضا و سیاست قضایی در اندیشه امام علی (ع)*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

محمدی، کاظم، و محمد دشتی. (۱۴۰۶ ق.). *المعجم المفهرس لألفاظ نهج البلاغه*. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.

مرعشی، سید شهاب الدین. (بی‌تا). *تعلیق إحقاق الحق* (جلد ۸). قم: کتابخانه مرعشی.

معین، محمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: انتشارات سرایش.

- مفید، شیخ. (1404 ق.). *الفقه على المذاهب الخمسة* (جلد 1). قم: دار الكتب الإسلامية.
- موسوی، محسن باقر. (1419 ق.). *القضاء الیغنام القضایی عند الإمام علی (علیه السلام)*. بیروت: الغدیر.
- میدری، احمد، و جعفر خیر خواهیان. (1383). *حکمرانی خوب: بنیان توسعه*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- نوری، میرزا حسین. (1408 ق.). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل* (جلد 3). بیروت: مؤسسه آل البیت.
- هاشمی، سید محمد. (1384). *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*. تهران: میزان.
- وزارت امور اجتماعی و ادغام اتحادیه اروپا. (۲۰۱۵). *کیفیت مدیریت عمومی در اروپا: جعبه ابزار برای کارشناسان*. لوکزامبورگ: دفتر انتشارات اتحادیه اروپا.
- یزدانی زنوز، هرمز. (1388). *بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب*. فصلنامه علمی تخصصی حقوق عمومی، 5.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (1371). *تاریخ یعقوبی* (جلد 2). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

References

- Azarnoush, A. (2007). *Contemporary Arabic-Farsi dictionary*. Tehran: Nashr Ney.
- Amidi, A. B. M. (1999). *Ghorar al-Hekam and Durar al-Kalam* (Vols. 1 & 2). Translated by H. Rasouli. Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Bakhshayesh Ardestani, A & ,Dashti, F. (2013). *Democracy in the governance of Imam Ali (AS)*. Alavi Journal, 8 (Winter).
- Bashir, H. (2002). *The judicial system of Imam Ali (AS)*. Islamic Social Studies, 32-33, February & March.
- Baladhuri, A. B. Y. (1998). *Ansab al-Ashraf* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Fikr.
- Jawadi Amuli, A. (1995). *Tafseer Tasneem* (Vols. 1-10). Qom: Esra Institute.
- Heydari, S. M. (2003). *Al-Mu'jam al-Fa'al al-Mutadawilah* (Vol. 1). Qom: International Center for Islamic Studies.
- Beetham, D & ,Boyle, K. (1997). *What is democracy* (Trans. by Sh. Naqsh Tabarzi). Tehran: Qoqnus.
- Sharifi, M. (1999). *Moien Persian Dictionary*. Tehran: Amir Kabir Publishing.
- Tabari, A. J. (1879). *Tarikh al-Tabari* (Vol. 3). Beirut: Al-Alami Publications.

- Abasnejad, M .(2010) .*The managerial conduct of Imam Ali (AS)* .Mashhad: Quranic Research Foundation, Hawzah and University.
- Fabry, M., Jean, J., Longbroek, P., Paliat, H. (Eds.) .(2005) .*Judicial management in Europe and its quality assessment* .Paris: Muncherstein Publishing.
- Cappelletti, M .(1988) .*Irresponsible Judges? A comparative study on the responsibility of judges* .Milan: Geoffrey Publishing.
- Klaus, L., Rotten, S., Papelier, P., Hubo, B., Rataz, P & ,Sterban, G .(2017) .*Best practices guide for managing supreme courts* .Antwerp University, Ljubljana University, Supreme Court of Latvia, Supreme Court of Lithuania, Supreme Court of Spain, and the Court of Hungary.
- European Commission .(2015) .*Public administration quality: Tool kit for experts* . Luxembourg: European Union Publishing Office.
- Cintini, F & ,Carnavalli, D .(2010) .*Quality of Justice: From conflict to policy* . Bologna: Institute for Social Sciences and Governance (IRSIG-CNR), 6.
- Cintini, F & ,Moher, R .(2008) .*Judicial Assessment: Traditions, innovations, and proposals for measuring court performance* .Zarberken: VDM, 28.
- Cintini, F .(2007) .*Justice performance evaluation* .International Symposium on Judicial Reforms, Ankara: Ministry of Justice of Turkey and World Bank, 3.
- Gilberg, C .(2017) .*Justice Quality Guidelines* .Paris: Ministry of Justice of France.
- Longbroek, P & ,Dijkstra, R .(2017) .*Court and judge performance management: Organizational and professional learning versus political responsibilities* .In *Evaluating and designing methods for assessing and improving justice quality*.
- Matqi Hindi, A .(1994) .*Al-Khassal* (Vol. 1). Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- Mohammadi, G .(2022) .*Fiqh of judicial politics in Imam Ali's thought* .Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Mohammadi, K & ,Dashti, M .(2006) .*Al-Mu'jam al-Mufahras Li-Alfaz Nahj al-Balagha* .Qom: Society of Seminary Teachers of Qom.
- Marashi, S. Sh. (n.d.) .*Taliq Ihaq al-Haq* (Vol. 8). Qom: Marashi Library.
- Moien, M .(2007) .*Moien Persian Dictionary* .Tehran: Sarayesh Publications.

Mufid, Sh .(2004) .*Fiqh al-Madhahib al-Khamsa* (Vol. 1). Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyah.

Mousavi, M. B .(1999) .*Al-Qada' al-Ighnam al-Qada'i 'Ind al-Imam Ali (AS)* . Beirut: Al-Ghadir.

Midari, A & ,Khairkhahian, J .(2004) .*Good Governance: The foundation of development* .Tehran: Parliamentary Research Center.

Nuri, M. H .(2008) .*Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il* (Vol. 3). Beirut: Al al-Bayt Institute.

Hashemi, S. M .(2005) .*Human rights and fundamental freedoms* .Tehran: Mizan.

Ministry of Social Affairs and European Union Integration .(2015) .*Quality of public administration in Europe: Tool kit for experts* .Luxembourg: European Union Publishing Office.

Yazdani Zanuz, H .(2009) .*Exploring the role of transparency in achieving good governance* .Journal of Public Law, 5.

Ya'qubi, A. B. Y .(1992) .*History of Ya'qubi* (Vol. 2). Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.